



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

مجله



تاریخ تفکر و سلفی‌گری

از آغاز تا عصر حاضر

■ مهدی فرمانیان

سلفی‌گری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ تفکر سلفی گری

نویسنده:

مهدی فرمانیان

ناشر چاپی:

دار الاعلام لمدرسه اهل البيت عليهم السلام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	تاریخ تفکر سلفی گری
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	دیباجه
۱۴	مقدمه
۱۴	مراحل چهارگانه تاریخ تفکر اصحاب حدیث و سلفی گری
۱۶	اصحاب اثر؛ پیشینه فکری اصحاب حدیث
۱۸	ظهور اصحاب حدیث
۲۰	احمد بن حنبل و توجه به آثار سلف
۲۴	مبانی فکری احمد بن حنبل
۲۴	اصول اعتقادی احمد بن حنبل
۲۶	گرایش های فکری اصحاب حدیث (قرن ۴-۸ ق.م)
۳۰	ظهور اشاعره و افول اصحاب حدیث
۳۱	ظهور ابن تیمیه و تأسیس مکتب سلفیه
۳۲	مفهوم سلفی گری و تأسیس مکتب سلفیه
۳۶	قرن دوازده هجری و بازگشت سلفی گری
۳۶	وهابیت، مقلدان محض ابن تیمیه
۳۸	دیوبندیه، مکتبی با گرایشی صوفیانه
۴۰	اخوان المسلمین، تشکیلاتی برای رسیدن به حکومت
۴۲	سلفیان جهادی: تفنگ به دوشانی در پی یافتن مکانی برای جهاد
۴۴	تقسیم بندی های گوناگون در خصوص جریان شناسی سلفی گری
۴۹	منابع
۵۲	درباره مرکز

سرشناسه: فرمایان، مهدی، 1352 -

عنوان و پدیدآور: تاریخ تفکر سلفی گری / تالیف مهدی فرمایان؛ [تهیه کننده] موسسه روشنگر آرمان اندیشه مطالعات بنیان دینی

مشخصات نشر: قم: دارالاعلام لمدرسه اهل البیت (ع)، 1393-

مشخصات ظاهری: 60ص.

فروست: جریان شناسی سلفیگری معاصر؛ 12

شابک (ج.1): (1-23-6007667-978) V.1

شابک (دوره): (3-9-94805-600-978) V.SET

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه

موضوع: سلفیه - تاریخ

موضوع: سلفیه - عقاید

موضوع: سلفیه - کشورهای اسلامی

موضوع: وهابیه

موضوع: اخوان المسلمین

شناسه افزوده: موسسه روشنگر آرمان اندیشه مطالعات بنیان دینی

رده بندی کنگره: 1393 ت2 ف4 / BP 5/238

رده بندی دیوئی: 464/297

شماره کتابشناسی: 9322768

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

تاریخ تفکر سلفی گری

از آغاز تا عصر حاضر

تألیف: مهدی فرمانیان

ناشر: انتشارات دارالاعلام لمدرسة اهل البيت)

صفحه آرا و طراح جلد: محبوب محسنی

چاپ و صحافی: سلیمان زاده

تیراژ: 5000 جلد

نوبت چاپ: اول - بهار 1394

قیمت: 4000 تومان

شابک: 978-600-7667-23-1

ص: 4

با توجه به تحولات منطقه و رشد و گسترش سلفی‌گری و جریان‌های تکفیری، موسسه مطالعات بنیان دینی با هدف ارائه تحقیقات کاربردی و راهبردی، طرح کتابچه‌های مختصر و علمی در زمینه سلفی‌گری را به موسسه دارالاعلام پیشنهاد داد. مؤسسه دارالاعلام لمدرسة اهلالیبت:، با اشراف حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی - دام ظلّه الوارف- با هدف سلفی پژوهی و وهابیت شناسی و نقد آرا و افکار آنها، در سال 1389 تأسیس شد و با برگزاری دوره آموزشی - پژوهشی جریان شناسی سلفی‌گری و نقد وهابیت، به تربیت محقق در این زمینه پرداخت. در کنار تربیت متخصص، انتشار فصل نامه سراج منیر (مجله تخصصی نقد وهابیت) از مهم ترین اقدامات مؤسسه است که تاکنون، چهارده شماره از آن انتشار یافته و مورد استقبال مراجع، استادان و محققان قرار گرفته است. راه اندازی سایت وهابیت شناسی، انتشار آثاری در تبیین و نقد افکار سلفیه و ایجاد کتابخانه تخصصی، از دیگر فعالیت های این مؤسسه است.

در این زمینه، کمبود پژوهش های متقن، علمی و مختصر در شناخت و تحلیل جریان های سلفی معاصر وجود دارد؛ در حالی که اطلاع از وضعیت فعلی این جریان ها و ربط و نسبت آنها با دیگر گروه ها و مذاهب گوناگون، از احتیاجات مبرم مراکز علمی و فرهنگی کشور است؛ به همین علت، مؤسسه دارالاعلام که مؤسسه ای تخصصی و حوزوی است و از استادان مجرب و پژوهشگران متخصص در زمینه سلفی پژوهی و نقد وهابیت برخوردار است، طرح موسسه مطالعات بنیان دینی را پذیرفت و مقرر گردید که به صورت مشترک این کتابچه-ها انتشار یابد. این دو مؤسسه وظیفه خود می دانند که خلاً این پژوهش ها را پر کنند و در این زمینه، یاریگر مؤسسات و مراکز فرهنگی و علمی کشور باشند.

با توجه به مطالب بیان شده، مؤسسه طرح کتابچه های پالتویی را در زمینه شناخت و تحلیل جریان های سلفی و تکفیری معاصر، در دستور کار قرار داد و با یاری گرفتن از استادان و پژوهشگران خود و موسسه مطالعات بنیان دینی، به انتشار چهارده کتابچه در معرفی و تحلیل جریان های سلفی معاصر اقدام کرد.

چهارده موضوع مورد تحقیق در زمینه جریان شناسی سلفی گری معاصر عبارتند از:

1. تاریخ تفکر سلفی گری؛

2. ابن تیمیه، مؤسس مکتب سلفیه؛

3. وهابیت، تاریخ و افکار؛

4. جریان سلفی - زیدی؛

5. دیوبندیه؛

6. جماعة التبلیغ؛

7. سپاه صحابه و لشکر جهنگوی؛

8. طالبان؛

9. اخوان المسلمین؛

10. سلفیہ جہادی؛

11. افغان العرب؛

12. القاعدہ؛

13. داعش؛

14. تأثیر افراط گری شیعه بر گسترش سلفی گری.

بیشتر نویسندگان از محققان مؤسسہ دارالاعلام هستند کہ با گذراندن دورہ پژوهشی دوسالہ نقد وہابیت در مؤسسہ، اکنون توانایی تبلیغ، تدریس و تحقیق در زمینہ سلفی پژوهی و نقد وہابیت را دارند و این تحقیق حاصل زحمات این عزیزان است.

در پایان، از حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی فرمانیان، رئیس محترم مؤسسہ مطالعات بنیان دینی (اندیشکدہ راہبردی ادیان، فرق و مذاہب) کہ راہنمایی و ویرایش علمی این مجموعہ را نیز بہ عہدہ داشتند، صمیمانہ قدردانی می کنیم.

ص: 5

مهدی مکارم شیرازی

ریاست مؤسسه

دارالإعلام لمدرسة اهل البيت)

ص: 6

با مراجعه به کتب ملل و نحل و فرق و مذاهب می توان به این نتیجه رسید که تا ظهور ابن تیمیه (متوفی 728ق.) مکتبی به نام سلفیه در تاریخ وجود نداشته (1) و ایشان مؤسس مکتب سلفیه است؛ اما از آن جهت که برداشت ها و تفاسیر جدید خود را به نام سلف مطرح کرد، برای بسیاری از اهل سنت و برخی نویسندگان شیعه، مسئله مشتبّه شد و نویسندگان متعددی، ایجاد مکتب سلفیه را، همان طور که ابن تیمیه می پسندید، تا دوران صحابه پیش بردند و عملاً به گسترش اندیشه های ابن تیمیه و سلفیه کمک کردند؛ اما آنچه امروز به عنوان تفکرات سلفیه مطرح می شود، همان تفاسیر و برداشت های اشتباه ابن تیمیه از مفاهیمی همچون «توحید»، «شکر»، «سنت» و «بدعت» است که متأسفانه به اسم سلف مطرح می شود.

بنابراین، باید مکتب سلفیه را مکتب ابن تیمیه نامید. زیرا آنچه امروزه به عنوان افکار سلف و مذهب سلفیه در منابع و رسانه ها مطرح می شود، همان افکار ابن تیمیه است که به اسم سلف به ملت ها تزریق می شود؛ اما از آن جهت که ابن تیمیه پیرو اعتقادات اصحاب حدیث است، تمامی عقاید اصحاب حدیث را می پذیرد. به پیروی از ابن تیمیه، بیشتر سلفیان، به ویژه وهابیت، حدیث گرا بودند و همه عقاید اصحاب حدیث را پذیرفته اند. بنابراین، در این نوشته باید از اصحاب حدیث و عقاید آنها به عنوان پیشینه تاریخی مکتب سلفیه بحث کرد. اگرچه ابن تیمیه در عقاید، اصحاب حدیثی و در فقه، حنبلی است، اما در هر دو بخش، تفاسیر و اجتهادات جدیدی دارد. همین برداشت های جدید، بلای جان جهان اسلام شده، تفرقه را در جهان اسلام نهادینه کرده است و از آن جهت که تمام سلفی ها به شدت تحت تأثیر ابن تیمیه اند، بیشتر اندیشه های اصحاب حدیث و همه یا برخی از افکار ابن تیمیه را پذیرفته اند. در تحلیلی آماری می توان بیان داشت که حدود هفتاد درصد از افکار وهابیت، افکار اهل حدیث و سی درصد دیگر همان بدعت های تفسیری ابن تیمیه است. بنابراین، باید از اصحاب حدیث و ابن تیمیه به عنوان پیشینه فکری سلفیان امروزی بحث کرد و نشان داد که افکار جریان های سلفی در باب توحید و شرک و سنت و بدعت بیشتر تحت تأثیر ابن تیمیه است و در دیگر افکار، متأثر از اهل حدیث هستند.

مراحل چهارگانه تاریخ تفکر اصحاب حدیث و سلفی گری

با بررسی تاریخ تفکر اصحاب حدیث و سلفی گری می توان چهار مرحله فکری برای تاریخ تفکر سلفی گری تصور کرد:

1. اصحاب اثر: نخستین مرحله، ظهور اصحاب اثر در شهرهای مدینه، شام و بصره است که در مقابل اصحاب رأی در کوفه و مکه قرار داشتند. این تفکر در قرن اول و دوم هجری در مدینه بسیار رواج داشت و اثرگرایی مالک بن انس و اساتیدش در مقابل رأی گرایی ابوحنیفه و اساتیدش، باعث اختلافات فراوانی در فهم اسلام شد. جای تعجب است که سلفیان امروزی این همه اختلاف سلف را ندیده اند و فهم همه سلف را یکسان می دانند.

2. اصحاب حدیث: با ظهور شافعی و گرایش ایشان به حدیث و مضیق کردن مفهوم سنت به قول و فعل و تقریر پیامبر، طرفداران اصحاب اثر به اصحاب حدیث ملقب شدند و اعتقادنامه های کوچک اصحاب حدیث در قرن سوم و چهارم به نگارش درآمد که بیشتر این اعتقادنامه ها با عنوان «السنة» یا «اصول السنة» به جامعه علمی آن زمان عرضه شد. تفکر اصحاب حدیث در آثار احمد بن حنبل و نویسندگان صحاح سته اهل سنت نمود یافت و اصحاب حدیث به عنوان یک جریان فکری در مقابل معتزله و سپس در مقابل اشاعره صف آرایی کردند.

3. تأسیس مکتب سلفیه: تفکر اصحاب حدیث با گرایش های درون مذهبی، راه خود را در قرون میانه (سوم تا هشتم) ادامه داد تا اینکه در

قرن هشتم فردی به نام ابن تیمیه از دل اصحاب حدیث ظهور کرد و با تأسیس مکتبی به نام سلفیه، جریانی هم عرض اصحاب حدیث ایجاد کرد که حدود هفتاد درصد از افکار و اندیشه های وی با اصحاب حدیث مشترک است و حدود سی درصد هم برداشت ها و تفاسیر اشتباه خود ابن تیمیه است.

ص: 7

1- . در کتاب مقالات الاسلامیین اشعری، الفرق بین الفرق بغدادی، الملل و النحل شهرستانی، الفصل ابن حزم، التبصیر فی الدین اسفراینی، المحصل فخر رازی، و به عبارتی در هیچ یک از آثار ملل و نحل از فرقه ای به نام سلفیه یاد نشده است که نشان می دهد در قرون نخستین و میانه تاریخ اسلام، فرقه ای به نام سلفیه وجود خارجی نداشته است.

4. بازگشت سلفی‌گری: از قرن هشتم تا قرن دوازدهم تفکر ابن تیمیه در محاق بود تا اینکه در قرن دوازدهم هجری مدرّسانی در مدینه به تدریس افکار ابن تیمیه اهتمام ورزیدند و شاگردانی از اطراف و اکناف جهان اسلام یافتند و این شاگردان اندیشه‌های ابن تیمیه را گسترش دادند. محمد بن عبدالوهاب در عربستان، شاه ولی الله دهلوی در شبه قاره هند و ابن الامیر صنعانی در یمن از مهم‌ترین افرادی هستند که در قرن دوازدهم ق. به ترویج تفکر ابن تیمیه پرداختند. از دل اندیشه‌های محمد بن عبدالوهاب، وهابیت و از دل اندیشه‌های ابن الامیر صنعانی، سلفیه زیدیه و از دل اندیشه‌های شاه ولی الله دهلوی، مکتب دیوبندیه و از دل دیوبندیه، جماعت التبلیغ، سپاه صحابه و طالبان بیرون آمد.

در قرن چهاردهم هجری، تفکر ابن تیمیه به شمال آفریقا وارد شد و سید محمد رشیدرضا با پذیرش افکار وی، این اندیشه را در شمال آفریقا گسترش داد و تحت تأثیر وی، حسن البناء با تأسیس اخوان المسلمین، تفکر سلفیه اصلاحی را در شمال آفریقا و کشورهای عربی گسترش داد. از دل اندیشه‌های اخوان المسلمین که معتدل و تقریبی بودند، جریانی تند و تکفیری به نام سلفیه جهادی بیرون آمد و از دل سلفیه جهادی، افغان العرب، القاعده و داعش بیرون آمد.

این چهار مرحله، مراحل اصلی تاریخ تفکر سلفی‌گری است که در این نوشتار به این مراحل چهارگانه، به اختصار خواهیم پرداخت و با تفصیل بیشتری از پیشینه فکری سلفی‌گری سخن خواهیم گفت.

اصحاب اثر؛ پیشینه فکری اصحاب حدیث

اهل سنت، اثر را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «یطلق الآثار علی افعال الصحابه»؛ یعنی به افعال صحابه اثر می‌گویند. جمال الدین قاسمی از محدثان مورد اعتماد سلفیان معاصر در تعریف اثر می‌نویسد: «فتاوا و اقوال منقول از صحابه را اثر گویند». این تعریف از اثر، شایع‌ترین تعریف از اثر است. (1)

در نگاه اصحاب حدیث و سلفیان، اثر در کنار حدیث پیامبر منبعی برای فهم اسلام است؛ زیرا در دوره فتوحات، صحابه در جهان اسلام پراکنده، و هر کدام در شهری مستقر شدند. مردم که تازه با اسلام آشنا شده بودند، اسلام را در عمل و رفتار و اقوال صحابه می‌دیدند و هر رفتاری از صحابه را مساوی با اسلام می‌پنداشتند و همین مسئله باعث گسترش اثرگرایی (توجه بیش از حد به افعال و اقوال صحابه) در دوره پس از پیامبر شد و تابعین، آثار صحابه را همچون سنت پیامبر تلقی کردند و به نسل‌های بعد انتقال دادند. گرایش به اثر، که در بسیاری از شهرهای اسلامی رونق داشت، نوعی از گرایش به سلف (صحابه) را در اذهان ایجاد می‌کرد و باعث می‌شد مسلمانان سده اول و دوم هجری در هر مسئله‌ای اول به اقوال صحابه مراجعه کنند و سپس به تابعین؛ و اگر مطلبی از این گذشتگان نمی‌یافتند، نظر خود را بیان می‌کردند. ظهور اصحاب رأی در کوفه، و معتزله در بصره، باعث شد انتقاداتی به این روش تابعین وارد شود و کم‌کم توجه به حدیث در میان اصحاب اثر بیشتر شود.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که در قرن اول و دوم هجری، اقوال و فتاوی صحابه پیامبر و تابعین آنها، همچون سنت و حدیث پیامبر جایگاه مهمی داشت و به همین علت، رفتار خلفا، هم طراز سنت رسول خدا شد و کار به جایی رسید که گاه به اقوال و اعمال صحابه یا تابعین، بیشتر از سنت پیامبر اهمیت می‌دادند. به عبارت دیگر، در قرن اول و دوم هجری به همان اندازه که به احادیث و سنن پیامبر اهمیت داده می‌شد، به آثار صحابه نیز اهمیت می‌دادند.

لذا می‌توان پذیرفت که در قرن اول و دوم هجری، سخنان پیامبر به عنوان یک نظریه برتر در کنار دیگر اقوال و فتاوی صحابه و تابعین

مطرح بود.

در این زمان به علت کم توجهی به سنت پیامبر، دوروش متفاوت در میان تابعین تابعین ایجاد شد: اصحاب اثر در مدینه و اصحاب رأی در کوفه. روی آوردن به رأی یا اثر در مسائلی که حکمی درباره آن نزد صحابه نبود، خود زمینه ای مهم برای بروز اختلاف در میان تابعین شد و توجه دوچندان به آثار صحابه در مکتب مدینه را به وجود آورد.⁽²⁾ کسانی که می ترسیدند رأی صادر کنند، بیشتر در پی آن بودند که اثری (فتوایی) از پیشینیان برای خود بیابند و اگر چیزی نمی یافتند، نظر خود را ابراز می کردند. افرادی که بیشتر در پی اثر (فتوهای) سلف (صحابه یا تابعین قبل از

ص: 8

1- نک.: محمد علی مهدوی راد، «تدوین حدیث 1: تعاریف»، ص 42.

2- درباره مفهوم اثر نک.: جابری، علی حسین، الفکر السلفی عند الشيعة الاثني عشرية، ص 46-48.

خود) بودند، اصحاباثر نام گرفتند و کسانی که بیشتر تمایل داشتند نظر خود را ابراز کنند، اصحاب رأی نام گرفتند. به عبارت دیگر، عده ای در پی نقل آرای دیگران (سلف) بودند و عده ای آرای خویش را بیان می کردند. (1)

در میان تابعین تابعین این دو تفکر نمود بیشتری یافت و ابوحنیفه نماینده رأی گرایان کوفه و مالک بن انس نماینده اثرگرایان مدینه شد. شاید به همین علت، مالک بن انس (متوفی 179 ه.ق.) عمل مردم مدینه را، اثر صدر نخستین دانسته و به عنوان یکی از ادله پذیرفته و در موطأ خود در موارد متعدد به فتاوی صحابه و تابعین استناد می کند و بر طبق فتوای فقهای سبعة مدینه فتوا می دهد. (2) در عبارتی مشهور از احمد بن حنبل نیز منقول است که «اگر مسئله ای پیش آمد و درباره آن اثری [فتوایی] از پیشینیان یافت نشد، فتوا، قول شافعی است». توجه به آثار صحابه و تابعین، بیشتر از همه خود را در تفسیر قرآن به وضوح نشان داده است. تفسیر اثری یکی از مهم ترین مکاتب تفسیری است که هنوز پیروان فراوانی دارد. (3)

ظهور اصحاب حدیث

از ابتدای قرن دوم به دستور عمر بن عبدالعزیز بحث نگارش حدیث شروع شد، اما جدی گرفته نشد و حدیث چندانی نوشته نشد. زیرا با سنت یکصدساله گذشته که خلیفه دوم هم تأکید فراوانی بر آن کرده بود، منافات داشت. در نیمه نخست قرن دوم و در 143 ق. به دستور منصور عباسی نگارش سنت پیامبر بار دیگر مطرح شد و ابن شهاب زهری، به عنوان نخستین تدوین گر سنت پیامبر، با دستور منصور، خلیفه عباسی، مأمور نگارش کتابی در این زمینه شد، اما موطأ مالک بن انس نیز پر است از اثر (فتاوی) صحابه و تابعین. اثر در کنار حدیث پیامبر جایگاه ویژه ای داشت. از نیمه دوم قرن دوم، تدوین حدیث سرعت بیشتری گرفت و رساله هایی در زمینه های گوناگون به نگارش درآمد. نتیجه توجه به حدیث این بود که با وجود کثرت احادیث مرفوع از پیامبر، چه دلیلی بر اعتبار دادن بیش از حد به آثار صحابه است. (4)

در این زمان شافعی ظهور کرد و با نقد اثرگرایی مالک بن انس، نظامی جدید عرضه کرد که در کلیت با موازین سنتی اصحاب اثر نزدیک بود. وی نخستین کسی بود که معتقد شد ظواهر قرآن بدون سنت نبوی قابل تمسک نیست و مکتبی حدیث گرا ایجاد کرد. شافعی همچنین با ارائه تعریف مضیقّی از لفظ «سنت»، برخلاف گذشتگان، فقط احادیث را - اگرچه مرفوع باشند - نماینده سنت دانست و آثار صحابه را از تعریف سنت خارج کرد. وی به مالک بن انس و او زاعی که گاه دیدگاه های صحابه را به احادیث مرفوع ترجیح می دادند، ایراد گرفت. این نگاه شافعی به حدیث پیامبر نقطه عطفی در بازگشت از اثرگرایی به حدیث گرایی بود. (5)

پس از شافعی، احمد بن حنبل و اسحاق بن راهویه راه شافعی را پیمودند و آنان نیز پذیرفتند که تمسک به احادیث مرفوع بهتر از آثار صحابه است، ولی هیچ گاه از آثار سلف دست نکشیدند و این چنین در یک روند تاریخی، اصحاب اثر به اصحاب حدیث نام بردار شدند.

بعد از شروع دوره حدیث نویسی که بیش از نیم قرن (150-200 ق.) ادامه داشت، احادیث ضعیف و جعلی فراوانی در میان اهل سنت رواج یافت؛ زیرا یکصد و پنجاه سال بود که به سنت و حدیث پیامبر کمتر توجه می شد و هنگامی هم که نوشتن حدیث شروع شد، ضابطه ای برای جمع آوری حدیث نبود و هر کس هر چه را می پسندید به عنوان حدیث پیامبر یادداشت می کرد. در اینجا بود که عده ای از علمای اصحاب حدیث به فکر پالایش احادیث افتادند و نگارش احادیث صحیح آغاز شد و هر کس توانست در جمع آوری احادیث بر اساس اعتقادات اصحاب اثر موفق تر عمل کند، کتابش مقبولیت بیشتری نزد اهل حدیث یافت. لذا صحیح بخاری رتبه اول را به دست آورد و صحیح مسلم رتبه بعدی را به خود اختصاص داد؛ اما مسند احمد بن حنبل به دلیل آوردن برخی روایات، رتبه هفتم یا هشتم را به خود اختصاص داده است، با اینکه از نظر زمانی احمد بن حنبل قبل از بخاری و مسلم می زیست.

به همین علت، ملل و نحل نویسان هر فردی را که احادیث را منبع اصلی فهم دین قرار داد، اصحاب حدیث نامیدند. بنابراین، می توان گفت اصحاب حدیث یا اهل حدیث لقب عمومی آن دسته از ائمه و علمای اهل سنت است که در فهم دین متکی بر ظاهر حدیث بودند و از کلام، منطق، فلسفه، قیاس، رأی و به طور عام از عقل گرایی گریزان بودند. ابوحاتم رازی درباره اصحاب حدیث می نویسد: «اینان را

ص: 9

-
- 1- . نک: «اصحاب رأی»، در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 3، ص 116
 - 2- . نک: سیوطی، جلال الدین، تنویر الحوالک، ج 1، ص 4؛ مالک ابن انس، موطأ، مقدمه، ص «زک».
 - 3- . درباره تفسیر اثری نک: معرفت، محمد هادی، تفسیر الجامع الاثری، مقدمه کتاب.
 - 4- . نک: پاکتچی، احمد، «اصحاب حدیث»، در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 3، ص 123.
 - 5- . همان.

اصحاب حدیث و اثر گفته اند، زیرا رأی و قیاس را به کار نمی گیرند و می گویند ما باید از آنچه از پیامبر، صحابه و تابعین برای ما روایت شده و نیز آنچه از آنان در باب فقه و حلال و حرام به ما رسیده (فتاوی صحابه و تابعین) پیروی کنیم و روا نیست که قیاس کنیم». وی از القاب اصحاب حدیث با عناوین «حشویه»، «مشبّه»، «مالکیه» و «شافعیه» یاد می کند. (1)

از مهم ترین و برجسته ترین اصحاب اثر در قرون نخستین می توان از ابن سیرین (متوفی 110 ق.) در بصره، ابن شهاب زهری (متوفی 124 ق.) و مالک بن انس (متوفی 179 ق.) در مدینه، سفیان بن عیینه در مکه (متوفی 198 ق.)، اوزاعی در شام (متوفی 157 ق.)، لیث بن سعد (متوفی 175 ق.) در مصر، سفیان ثوری (متوفی 161 ق.) در کوفه، عبدالله بن مبارک مروزی (متوفی 181 ق.) و اسحاق بن راهویه (متوفی 238 ق.) در خراسان نام برد که اکنون این محدثان نزد سلفی ها محترم اند. (2)

پیروی از ظاهر احادیث در طول تاریخ اهل سنت شدت و ضعف داشت. برخی از مشهورترین علمای اهل سنت در این طیف جای می گیرند. شافعی، احمد بن حنبل، بخاری، مسلم، مؤلفین صحاح سته اهل سنت و دیگران هر کدام به وجهی از اصحاب حدیث محسوب می شوند. این افراد به مباحث اعتقادی کمتر وارد می شدند و در فقه و کلام به حدیث و اثر گرایش داشتند.

احمد بن حنبل و توجه به آثار سلف

بعد از شافعی و ظهور احمد بن حنبل اعتقادات اهل حدیث نظم جدیدی یافت و احمد بن حنبل با مطرح کردن مشهورترین اعتقادات اصحاب اثر به عنوان عقاید اهل سنت یا همان «اصول اهل السنة و الجماعة» با اقبال اصحاب حدیث مواجه شد. (3)

در همین زمینه، تفکر حدیثی اسحاق بن راهویه به اندیشه های احمد بن حنبل نزدیک بود و شاگردانی تربیت کرد که هر کدام در اصحاب حدیث جایگاه ویژه ای دارند. از شاگردان او می توان بخاری، ترمذی، ابن قتیبه و عثمان داری را نام برد که هر کدام آثار مهمی در اصحاب حدیث به وجود آوردند و اکنون نزد سلفیان محترم اند. (4)

شایان ذکر است که تا قبل از مطرح شدن احمد بن حنبل در محافل اصحاب حدیث، بزرگان اصحاب اثر، اقوال پراکنده ای را در باب مسائل اعتقادی بیان می کردند. بزرگان اصحاب اثر در باب مباحث اعتقادی و کلامی، همواره در حد رفع تکلیف سخن می گفتند و می ترسیدند که در این زمینه به صورت مبسوط وارد مسائل اعتقادی شوند و غالباً از نظام سازی آن طفره می رفتند. (5)

عقیده به جبر، غیر مخلوق بودن قرآن و رؤیت خداوند در قیامت، از وجوه مشترک علمای اصحاب اثر در قرن دوم هجری بوده است و عباراتی در باب تکفیر قائلان به خلق قرآن و توحید صفاتی به کثرت در کتاب های آنها دیده می شود. (6) جمله معروف مالک بن انس دال بر همین مسئله است که آنها از ورود به مباحث اعتقادی واهمه داشتند و می ترسیدند در این زمینه حرفی بزنند. در جمله مشهور مالک بن انس آمده است که اصل استوای خداوند بر عرش صحیح است، ولی از کیفیت آن اطلاعی ندارد. عبارت ایشان چنین است: «الاستواء معلوم و کیفیه مجهولة و السؤال عنه بدعة». در این عبارت مالک بن انس پذیرفته است که خدا بر عرش نشسته است. یعنی نشستن خدا و صندلی داشتن ایشان و بر عرش بودن را پذیرفته، ولی تنها مشکل او این است که از کیفیت نشستن خبر ندارد و چون نمی تواند پاسخ پرسش های عقل گرایان را بدهد، برای فرار از پاسخ، فتوا می دهد که صحبت کردن درباره آن نه تنها جایز نیست، بلکه با بدعت خواندن آن، پرسش کننده را مجبور به سکوت می کند و جالب تر آن است که باور داشتن به همین اجمال را سنت صحابه و تابعین معرفی می کند. (7)

- 1- . ابوحاتم رازی، احمد بن حمدان، الزینة، ج3، ص43-44؛ همو، گرایش ها و مذاهب اسلامی در سه قرن نخست هجری (ترجمه الزینة)، ص81-83.
- 2- . درباره تک تک این افراد نک.: ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان، میزان الاعتدال؛ همو، سیر اعلام النبلاء، ذیل نام هر یک از این بزرگان؛ نیز نک.: فرمانیان، مهدی، «عثمانیه و اصحاب حدیث قرون نخستین»، در: هفت آسمان.
- 3- . نک.: زمزلی، فواز احمد، عقاید ائمة السلف، رساله اصول السنة احمد بن حنبل، ص24-30.
- 4- . نک.: «اسحاق بن راهویه»، در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج3، ص540.
- 5- . نک.: بادی، جمال ابن احمد ابن بشیر، الآثار الواردة عن الائمة السنة فی ابواب الاعتقاد؛ تمام کتاب پر است از عبارات کوتاه و مجمل بزرگان مورد اعتماد اصحاب حدیث که برای رفع تکلیف بیان شده و خودشان نیز از معانی آنها اطلاع چندانی نداشتند.
- 6- . نک.: احمد بن حنبل، الرد علی الجهمیة، ص18 به بعد.
- 7- . نک.: حمید لحمیر، الامام مالک مفسراً، ص65.

بعد از مالک بن انس، احمد بن حنبل همین راه را پیمود و با توجه به افکار سلف خود که از تفکر عقلی گریزان بودند، خدا را انسان وار معرفی کرد. احمد بن حنبل در 164 ق. متولد شد و از شانزده سالگی به فراگیری حدیث پرداخت. او سفرهای متعددی برای شنیدن حدیث و اخذ آن کرد و اساتید بسیاری دید. احمد بن حنبل از 195 ق. به بعد خود صاحب کرسی درس بود و از 205 ق. به بعد فتوا می داد. در 218 هـ- ق. مأمون تحت تأثیر معتزله، مسئله خلق قرآن را مطرح کرد و از فقیهان و قاضیان خواست که به خلق قرآن اقرار کنند. اکثر فقیهان از ترس جانشان اقرار کردند، ولی احمد بن حنبل اقرار نکرد و در مقابل معتصم خلیفه عباسی، با صراحت تمام بر عدم خلق قرآن استدلال کرد و به همین علت به زندان افتاد. او در مجموع بیست و هشت ماه در حبس بود. (1)

احمد بن حنبل به دلیل مقاومتش در مسئله خلق قرآن - که در تاریخ به واقعه محنت مشهور است - منزلتی عظیم نزد اصحاب حدیث یافت و مدافع اصحاب حدیث شناخته شد. در 232 ق. متوکل عباسی به خلافت رسید و از اصحاب حدیث - اصحاب اثر سابق - طرفداری کرد و معتزلیان را به مبارزه طلبید. از ویژگی های احمد بن حنبل، تعصب مذهبی، توجه تام به اقوال سلف و سخت گیری در امور دینی بود و با مخالفان خود به شدت برخورد می کرد. احمد بن حنبل در 241 ق. در هفتاد و هفت سالگی درگذشت. او شاگردان بسیاری پرورش داد که می توان از ابوداود سجستانی، صاحب سنن ابی داوود، محمد بن اسماعیل بخاری صاحب صحیح بخاری، مسلم بن حجاج صاحب صحیح مسلم، ابوحاتم رازی صاحب کتاب الجرح و التعديل نام برد. وی در علم رجال تبحر داشت و رجالیون بعد از او به دیدگاه هایش توجه خاصی داشتند.

اقتدا به قول صحابه و تابعین (اثر) از ویژگی های فکر احمد بود که بعد از احمد بن حنبل به سلفی گری یا گرایش به سلف تعبیر شد. وی اجماع صحابه در یک مسئله را لازم الاتباع می دانست و به قول تابعین اهمیت می داد. او ظاهر قرآن را بر اخبار آحاد مقدم نمی کرد و به احادیث مشهور بین اصحاب حدیث اهمیت فراوان می داد. درباره احمد بن حنبل کتب متعددی نوشته شده که مناقب احمد بن حنبل، نوشته ابن جوزی حنبلی، قدیمی ترین کتاب است. با توجه به عظمت احمد بن حنبل نزد اصحاب حدیث، دیدگاه های اعتقادی احمد بن حنبل به عنوان اصول السنة، مطرح شد. احمد بن حنبل در راه نظام سازی عقاید اصحاب حدیث می کوشید و در دروس خود به آنها می پرداخت و بعد از او، شاگردانش این عقاید را مدون کردند. (2)

بعد از احمد بن حنبل، بیشتر حنبله، برخی از مالکیان، عده ای از شافعیان و شمار کمی از حنفیان، به شرح اعتقادات احمد بن حنبل به عنوان اصول السنة پرداختند و کتب متعددی در این زمینه نوشتند. همه این کتاب ها با رویکرد حدیثی نوشته شده و در ذیل هر بحث به روایات مورد قبول اصحاب حدیث و آثار صحابه و تابعین توجه خاص شده است. ابوجعفر طحاوی (متوفی 321 ق.) با اینکه در فقه طرفدار ابوحنیفه است، ولی بیشتر عقاید اصحاب حدیث را پذیرفت و رساله ای به نام عقیده اهل السنة و الجماعة نگاشت که به عقیده طحاوی معروف است و وهابیان به آن توجه خاص دارند و تعدادی از سلفیان و وهابی ها، مثل البانی و سلفر الحوالی، بر عقیده طحاوی شرح نوشته اند و این کتاب یکی از معتبرترین کتب درسی مدارس سلفیان عصر حاضر است.

علاوه بر اصول السنة اثر احمد بن حنبل و العقیده اثر طحاوی، برخی آثار دیگر عبارتند از: نقض عثمان بن سعید دارمی علی البشر المریسی (متوفی 280 ق.)، التوحید اثر ابن خزیمه (متوفی 311 ق.)، الابانة عن شریعة الفرقة الناجیه اثر ابن بطه عکبری حنبلی (متوفی 387 ق.)، کتاب الایمان اثر ابن منده حنبلی (متوفی 395 ق.)، شرح اصول اعتقاد اهل السنة و الجماعة اثر لالکایی شافعی (متوفی 418 ق.)، اعتقاد اثر ابن ابی زید قیروانی مالکی (متوفی 386 ق.)، شعب الایمان اثر احمد بن حسین بیهقی (متوفی 458 ق.)، المعجم الکبیر اثر طبرانی (متوفی 360 ق.)، شرح صحیح مسلم اثر نووی شافعی (متوفی 673 ق.)، شرح السنة اثر بغدادی (متوفی 516 ق.)، عقیده اثر ابن قدامه حنبلی (متوفی 620 ق.)، الاقتصاد فی الاعتقاد اثر عبدالغنی مقدسی (متوفی 600 ق.) و الأسنی فی شرح اسماء الحسنی اثر

قرطبی مالکی (متوفی 671ق.). این کتاب ها با رویکرد اصحاب حدیث نگاشته شده اند و در ابوابی از کتاب یا در تمام کتاب به شرح و بسط

ص: 11

1- . ابن ابی یعلی، طبقات الحنابلة، ج 1، ص 4-20.

2- . نک.: ابوزهره، محمد، احمد بن حنبل، ص 99 - 117؛ مدخل «احمد بن حنبل»، در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 6، ص 718-730.

عقاید اصحاب حدیث متقدم پرداخته اند. تمام این کتاب ها با نقل احادیثی که مورد قبول آنهاست، از عقاید خود دفاع کرده اند که امروزه نیز مورد قبول وهابیان و سلفیان است.

مبانی فکری احمد بن حنبل

مهم ترین مبانی فکری وی که برگرفته از اقوال اصحاب اثر بود، عبارت اند از ظاهرگرایی و مخالفت با عقل و عقل گرایان، که به اختصار به این دو مبنا احمد بن حنبل، که مبنا فکری همه محدثان و وهابیان است، می پردازیم.

1. توجه تام به ظاهر احادیث منقول از پیامبر و اقوال صحابه و تابعین؛ در نگاه احمد بن حنبل هر نوع تأویل و خروج از ظاهر الفاظ در باب صفات الاهی، به ویژه صفات خبری، ممنوع است. به پندار آنها، جهمیه، قدریه (معتزله)، خوارج، رافضه (شیعه) و مرجئه به علت خروج از ظاهر لفظ و تمسک به تأویل در فهم دین از اهل اهواء و بدع هستند. به زعم احمد بن حنبل، حدیث، مفسر قرآن است و به همین سبب، تعظیم اصحاب حدیث تعظیم پیامبر است و اخذ ظاهر قرآن بدون مراجعه به حدیث جایز نیست.

2. مخالفت با هرگونه عقل گرایی و مباحث کلامی؛ وی به نحو کلی با علم کلام مخالف بود. در نظر اصحاب حدیث، از جمله احمد بن حنبل، «علم کلام» علمی ناشایست است و مجالست با «اهل کلام» حرام است. (1)

همین مبانی اصحاب حدیث باعث شد در باب توحید صفاتی، گرایش به تشبیه و تجسیم پیدا کنند و در طول تاریخ از آنها با عنوان مشبّهه، مجسمه و حشویه یاد شود. اگرچه همیشه اصحاب حدیث، مجهول بودن کیفیت صفات خداوند را تبلیغ کرده اند، ولی این مسئله این افراد را از اتهام تشبیه میرا نمی کند؛ زیرا پذیرش خدایی دارای دست و پا و چشم، کافی است که معتقد به آن را مشبّهه بدانیم.

اصول اعتقادی احمد بن حنبل

احمد بن حنبل اصول اعتقادی خود را به عنوان عقیده اهل سنت در کرسی تدریس بیان می کرد و شاگردانش آنها را به صورت رساله های کوچکی نوشتند و برای بعدی ها به ارث گذاشتند. مهم ترین این عقاید، که امروزه هم سلفی ها، به ویژه وهابیت، به آن عنایت دارند، به قرار زیر است:

الف. تمسک به ظاهر آیات صفات خبری و نپرسیدن درباره کیفیت آنها؛

ب. ایمان به قَدَر، خواه خیر باشد و خواه شرّ؛ یعنی تمام امور، اعم از خیر یا شرّ، در این جهان خلق خداوند است و خداوند تمام افعال انسان را، اعم از بد و خوب، می آفریند و رضا به قضای الاهی و تسلیم امر او بودن (برخلاف عقل گرایان) از اصول سنت است.

پ. پذیرش صفات خبری و استواء ربّ بر عرش و خلق آدم بر صورت خودش (برخلاف قائلان به تنزیه)؛

ج. مؤمنان در قیامت خداوند را با چشم سر می بینند، همچنان که پیامبر خدای خود را دید؛

د. قرآن کلام خداست و مخلوق نیست و هر کس بگوید مخلوق است، بدعت گذار است؛

ه. ایمان به تکلم خداوند با بندگان در قیامت، و ایمان به حوض، عذاب قبر، و شفاعت پیامبر در قیامت؛

و. ایمان به مسیح دجال و نزول عیسی؛

ز. اعتقاد به اینکه ایمان، قول و عمل است و زیادت و نقصان می پذیرد (برخلاف مرجئه و ابوحنیفه)؛

ح. افضل امت بعد از پیامبر ابوبکر، عمر، عثمان، علی و اصحاب شورا هستند. تمام اصحاب شورا لیاقت امامت و خلافت را داشتند. پس از آنها اهل بدر از مهاجرین و انصار افضل امت اند (برخلاف شیعه)؛

ط. اطاعت از خلیفه وقت، برّ یا فاجر، به شرط آنکه امت بر آن اتفاق داشته باشند، واجب است. بنابراین، هیچ کس نباید بر خلیفه خروج کند و هر کس خروج کند، شق عصای مسلمین کرده است و نماز خواندن پشت سر خلیفه ظالم نیز جایز است و هر کس اعاده کند بدعت گذار است (برخلاف شیعه)؛

ی. هر کس نقص صحابه پیامبر را بگوید، بدعت گذار است. باید بر همه صحابه ترحم کرد و خوبی آنها را ذکر کرد (برخلاف شیعه)؛

ص: 12

1- . نک.: عبدالله بن احمد بن حنبل، حیاة الامام احمد و محنته، ضمیمه کتاب احمد بن حنبل بین محنة الدین والدنیا، ص 287-296.

ک. بهشت و جهنم خلق شده اند و مخالفان، منکر قرآن اند (در رد برخی از معتزله)؛

ل. هر کس از اهل قبله بمیرد ما برای او استغفار کرده، بر او نماز می خوانیم (برخلاف خوارج)؛

م. ترک جدال و بحث در امر دین (نفی علم کلام و متکلمان) از اصول سنت است؛

ن. مسح بر خُفین در سفر و حضر جایز است (برخلاف شیعه). (1)

در دیدگاه احمد بن حنبل فرقه های شیعه، قدریه، مرجئه، خوارج، معتزله، جهمییه از بدعت گذاران بوده اند و نماز خواندن پشت سر آنها جایز نیست. دیدگاه های احمد بن حنبل، یعنی اعتقاد به ظواهر آیات و روایات که مفهوم آنها به نحو اجمال دانسته می شود، نزد اصحاب حدیث پس از وی پذیرفته شد و حدیث گرایان بعدی به شرح عقاید او پرداختند و هر کس به این عقاید و ظواهر آن التزام بیشتری داشت، به سلفی گری منتسب شد. بعد از احمد بن حنبل، برخی اصحاب حدیث، گرایش به سلف، را یک روش دانستند و به آن توجه کردند. (2)

شاید اینکه عده ای مثل استاد ابوزهره در کتاب تاریخ المذاهب الاسلامیه پیدایش سلفی گری را در قرن چهارم و بعد از احمد بن حنبل دانسته اند، به دلیل رویکرد برخی اصحاب حدیث بعد از احمد بن حنبل باشد که توجه به سلف، روش برخی از آنها شده بود. (3)

در تاریخ آمده است که وقتی ابوالحسن اشعری، مؤسس مکتب اشاعره، از معتزله روی گردان شد و به اصحاب حدیث روی آورد، کتابی بر اساس عقاید اصحاب حدیث نوشت و به بریهاری، شیخ حنبله بغداد داد، اما بریهاری رساله اشعری را به کناری انداخت و گفت این رساله از تفکر سلف دور است و مورد قبول ما نیست. در این زمان ابوالحسن اشعری کتاب استحسان الخوض فی علم الکلام را نگاشت و همچنان که از معتزله روی گردان شده بود، از اصحاب حدیث هم جدا شد و مکتب جدیدی به نام «اشاعره» بنیان نهاد. (4)

گرایش های فکری اصحاب حدیث (قرن 4-8 ق.)

از میان محدثانی که تفکر اصحاب حدیث داشتند عالمان فراوانی در طول هزار سال گذشته ظهور کرده و آثار مختلفی تألیف کرده اند، اما از نظر فکری اختلاف دارند. از نظر فکری می توان خود اصحاب حدیث را به سه گرایش تشبیهی، سلفی و تنزیهی تقسیم بندی کرد. برخی از محدثان اهل سنت از نظر اعتقادی گرایش به تشبیه و تجسیم خداوند داشته، با هرگونه تأویل آیات و روایات مخالف بودند که می توان از ابن بطه عکبری و ابن قدامه یاد کرد. برخی گرایش سلفی داشته اند که فراتر از آنچه احمد بن حنبل و دیگران گفته اند، نمی گفتند که می توان از بریهاری و ابن خزیمه یاد کرد. عده ای دیگر از عالمان اصحاب حدیث اهل سنت گرایش به تنزیه یافته اند و از تأویل هم استفاده کرده اند که می توان به ابن قتیبه، ابن جوزی و تا حدودی ابن حجر عسقلانی و سیوطی اشاره کرد. وهابیان طیف اول و دوم را قبول دارند، ولی منتقد طیف سوم اند و به آثار آنها کمتر استناد می کنند. در ادامه به برخی اصحاب حدیث، که وهابیان و سلفیان به آنها اعتماد داشتند، اشاره می کنیم.

ابن خُزَیمه؛ ابوبکر محمد بن اسحاق از اصحاب حدیث سلفی گرا در 223 ق. در نیشابور به دنیا آمد و نزد اسحاق بن راهویه (متوفی 238-ه.ق.) محدث نامی نیشابور، حدیث آموخت و در 311 ق. از دنیا رفت. ابن خزیمه در فقه، شافعی مذهب بود، ولی در بیان احکام پیرو مطلق شافعی نبود و خود نیز احکامی برخلاف شافعی دارد. ابن خُزَیمه در عقیده به شدت تشبیهی و تجسیم است و ظواهر آیات و روایات را اصل قرار داده، از هر گونه تأویل خودداری می کند. او با مخالفان به شدت برخورد کرد و حتی حکم کفر و ارتداد برای آنها صادر می کرد. مهم ترین اثر ابن خزیمه کتاب یک جلدی التوحید و اثبات صفات الربّ در اعتقادات است که ابونعیم اصفهانی،

مستخرجی بر آن نوشته که با عنوان صحیح ابن خزیمه در چهار جلد به چاپ رسیده و از صحاح اهل سنت محسوب می شود. (5) وهابیان به کتب ایشان رجوع می کنند و وی را از بزرگان خود در قرون اولیه می دانند؛ در حالی که هیچ چیز از عقاید وهابیت در آثار ایشان یافت نمی شود و ابن خزیمه توسل و شفاعت و زیارت قبر و امثال آن را از مصادیق شرک نمی داند.

ص: 13

-
- 1- . نک: زمزلی، فواز احمد، عقاید ائمة السلف، ص 16-32؛ ابن ابی یعلی، طبقات الحنابلة، ج 1، ص 30 به بعد.
 - 2- . ر.ک: أبوجیب، سعدی، احمد بن حنبل، السيرة والمذهب، ص 304 به بعد.
 - 3- . ابوزهره، محمد، تاریخ المذاهب الاسلامیة، ص 124.
 - 4- . ابن عساکر، تبیین کذب المفتری، ص 28.
 - 5- . نک: مدخل «ابن خزیمه»، در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 3، ص 416-419.

ابن بَطَّه عُكْبَرِي؛ ابوعبدالله عبيدالله بن محمد در 304 ق. از اصحاب حدیث تشبیهی در عکبرا در نزدیکی بغداد به دنیا آمد و نزد حنابله بغداد تفکر اصحاب حدیث و فقه حنبلی را آموخت و تا آخر عمر در بغداد ماند و در 387 ق. از دنیا رفت. ابن بطه در مباحث اعتقادی صرفاً به کتاب و سنت تکیه داشت و از تفکر اصحاب حدیث با تعصب شدید دفاع می کرد. گویا تمام تلاش ابن بطه در طول عمرش نقد شیعه و دفاع از افرادی همچون معاویه است. او از معاویه با عنوان خال المؤمنین یاد می کند و مردم را از تحقیق درباره جنگ صفین و جمل باز می دارد. از مهم ترین آثار ابن بطه که به چاپ رسیده است، می توان از الابانة على اصول السنة و الدیانة در اعتقادات یاد کرد که به صورت جدلی، لبه تیز حملات خود را متوجه مخالفان، به خصوص شیعه، کرده است. (1) آثار وی مورد قبول وهابیان و سلفیان است، هرچند او نیز مانند ابن خزیمه هیچ یک از عقاید خاص وهابیت را به عنوان عقاید سلف و اصحاب حدیث بیان نکرده است. لذا از وهابیت باید پرسید اگر این عقاید این قدر مهم است که موجب خروج مسلمان از اسلام می شود، چرا این بزرگان مورد اعتماد شما از این مباحث و از این عقاید به عنوان عقاید سلف یاد نکرده اند.

با بررسی آثار علمای مورد اعتماد وهابیت می توان به این نتیجه رسید، مطالبی که وهابیان به وسیله آن جان و مال دیگر مسلمانان را مباح می کنند در هیچ یک از آثار پیشینیان، که مورد اعتماد آنها هستند، نیست و فقط از ابن تیمیه به این طرف وارد فکر اصحاب حدیث شده و تا قرن دوازدهم ق. هم هیچ یک از اصحاب حدیث، برداشت های ابن تیمیه را قبول نداشتند و متأسفانه از قرن دوازدهم با تندروی های وهابیت، این مباحث وارد ادبیات جهان اسلام شد.

بربهری؛ ابومحمد حسن بن علی، معروف به بربهاری (متوفی 329 ق.)، خطیب حنبلی نافذالکلمه ای بود که مخصوصاً به دلیل دفاع سرسختانه از مذهب احمد بن حنبل، حنبلیان بغداد به او توجه داشتند. وی با هرگونه کوشش عقلی برای فهم آموزه های دینی یا تفسیر و تأویل آنها مخالف بود و به همین علت از متکلمان به شدت انتقاد می کرد، کلام را بدعت می شمرد و آن را منشأ همه بدعت ها و گمراهی ها می دانست و حتی نشستن در حلقه های علمی اهل کلام را منع می کرد. اساس دین را «تقلید» از صحابه می دانست. هنگامی که ابوالحسن اشعری بعد از جداسدن از مکتب اعتزال و اعلان رسمی پیروی از احمد بن حنبل نزد وی آمد و گزارش رديه نویسی خود را بر پیروان فرق و ادیان باز گفت، بربهاری پذیرفت و گفت فقط آنچه را احمد بن حنبل گفته است، می شناسد. شهرت بربهاری بیشتر به دلیل تأکید بر پشتیبانی از آرای سلف و مخالفت با هرگونه افزایش یا دگرگونی در آن و برآشفتن از نقد رفتار صحابیان بود. در روزگار اقتدار حنبلیان در بغداد، برپا کردن مجالس نوحه سرایی امام حسین (علیه السلام) و نیز رفتن به زیارت حائر حسینی بسیار دشوار بود و زائران با آزار حنبلیان روبه رو می شدند و حتی بربهاری دستور داد زنی از مردم بغداد را که در مجالس عزاداری، پنهانی نوحه می خواند، بیابند و بکشند، در حالی که شعر او کمترین تعریضی به سلف نداشت.

در 327 ق. شیعیان می خواستند مراسم نیمه شعبان را برگزار کنند که بربهاری و حنابله آنها را تهدید کردند، اما به دلیل تهدید رئیس شرطه بغداد، حنابله نتوانستند کاری انجام دهند. بربهاری همچنین تخریب مسجد بَرَاثا و دفن مردگان در آن را صادر کرد و حنابله آن را تخریب کردند، اما شیعیان اقدام به بازسازی آن کردند. حنابله برای تخریب مجدد مسجد به پا خاستند که به دلیل اطلاعیه صریح خلیفه عباسی و دستگیری شماری از حنبلیان، این کار صورت نگرفت. رفتار حنبلیان به پیشوایی بربهاری بسیار تفرقه آمیز بود. درهم شکستن دکان ها به انگیزه اجرای قوانین شرع و تقطیس خانه های مردم، بدون اجازه آنها و دخالت در امر کسب مردم و معرفی کردن بی دلیل مردم به پلیس و به گناه کاری آنها شهادت دادن، از دیگر رفتارهای حنابله به رهبری بربهاری بود. همین مسائل باعث شد خلیفه عباسی علیه بربهاری و یارانش اطلاعیه صادر کند. در اطلاعیه خلیفه به برخی رفتارهای بربهاری و یارانش از جمله تعرض به پیروان مذهب شافعی، کافر و گمراه نامیدن شیعیان، انتساب مسلمانان به بدعت گذاری، مخالفت با رفتن به زیارت قبور، و آزار رساندن زائران اشاره شده است.

رفتار وهابیان و جریان های تکفیری بسیار به رفتار حنابله به رهبری بر بهاری شبیه است و تخریب مساجد و جلوگیری از عزاداری امام حسین (علیه السلام) از جمله رفتارهای مشترک این دو گروه است که با تفاسیر جدید ابن تیمیه همراه شده است.

ص: 14

1- . نک.: پکتچی، احمد، «ابن بطه عکبری»، در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 3، ص 126-128.

قاضی ابن عربی؛ ابوبکر محمد بن عبدالله معافری اشبیلی (468-543 ق.)، فقیه مالکی و محدث نامدار اندلس که پدرش از عالمان پرنفوذ مغرب بود. در عقاید باید وی را سلفی دانست و این طرز فکر او به روشنی از کتاب القواصم من العواصم فی ذب عن اصحاب ابی القاسم برمی آید. وی از موضع سلفی خود همواره بر صاحبان مذاهب مختلف کلامی و فیلسوفان هجمه هایی وارد می کرد. این کتاب امروزه مورد توجه سلفیان است و ابن تیمیه نیز در نقد شیعه به این کتاب توجه داشته است. وی تا حد امکان می کوشد از مذهب مالکی دفاع کند و بر پیروان مذاهب دیگر چون شافعیان، حنفیان و ظاهریان، گاه تا حد افراط بتازد. ابن عربی از حدیث نیز بهره ای وافر داشته، تا حدی که کثرت روایات او موجب شده است برخی از معاصرانش به نقل او بدگمان شوند. اما از طرف دیگر، ابن عربی در پذیرش حدیث و عمل بدان بسیار سخت گیر است. نکته ای که در فقه ابن عربی جلب نظر می کند دیدگاه های او در مسائل مربوط به جنگ با کفار است. او شاهد جنگ مسلمانان در مقابله با مسیحیان بود و به همین دلیل، اعمالی چون به استقبال شهادت رفتن را تجویز کرده است. مسئله ای که امروز جریان های تکفیری در عملیات انتحاری خود از آن استفاده می کنند، اما تکفیری ها فراموش کرده اند که قاضی ابن عربی این فتوا را در مقابل مسیحیان صلیبی صادر کرده است نه برای مسلمانان.

ظهور اشاعره و افول اصحاب حدیث

انتقادات متکلمان بر اصحاب حدیث و ناتوانی آنها در پاسخ گویی به شبهات جدید، باعث شد جایگاه اهل حدیث نزد مردم افول کند و گرایش به متکلمان فزونی یابد. در این زمان بود که عده ای از بزرگان اهلحدیث در پی جمع میان عقل و نقل برآمدند و در اول قرن چهارم، ابوالحسن اشعری مکتب اشاعره را پایه گذاری کرد. مذهب اشعری جمع میان عقاید اصحاب حدیث و روش معتزله است. وی اعتقادات احمد بن حنبل را پذیرفت و کتاب الابانة و رسالة الی الثغر را نوشت. اکنون عربستان رسالة الی الثغر را به علت هماهنگی با افکار اصحاب حدیث منتشر کرده است. وی در ادامه از روش اصحاب حدیث روی گردان شد و روش معتزله را برای اثبات عقاید اصحاب حدیث انتخاب کرد. به عبارت دیگر، ابوالحسن اشعری از عقل برای اثبات عقاید اصحاب حدیث کمک گرفت و عقل به خدمت عقاید اصحاب حدیث درآمد. بسیاری از بزرگان اهل سنت در طول تاریخ، رویکرد و روش اشعری را پذیرفتند و هر روز بر اعتبار این مکتب افزوده شد. امپراتوری سلجوقیان، دولت ایوبیان و دولت موحدون (مرا بطون) از تفکر اشعری حمایت کردند و همین مسائل باعث شد بیشتر شافعیان و مالکیان، تفکر اشاعره را بپذیرند و تفکر رسمی اهل سنت شود. عالمانی همچون غزالی و فخر رازی در این مکتب پرورش یافتند و تفکر اشاعره را با فلسفه و منطق درآمیختند و آن را به سمت منطق و فلسفه مشاء سوق دادند. اگرچه فخر رازی به نقد کتاب اشارات و تنبیهات بوعلی سینا پرداخت، اما خود به نوعی تحت تأثیر فلسفه مشاء قرار گرفت و در کتاب اساس التقدیس نوشت: «عقل قطعی بر نقل مقدم است» (1).

در این زمان بزرگان اشاعره با شعار «روش سلف اسلام و روش خلف اعلم است» تفکر خود را تفکر برتر معرفی کردند و به نقد اندیشه ها و روش اصحاب حدیث پرداختند. (2)

مکتب اشاعره در قرن هفتم از ایران اسلامی تا مغرب عربی گسترش یافته بود و مدارس نظامیه و دانشگاه الأزهر مهم ترین مؤسسات آموزشی مبلغ اشاعره بودند که هنوز هم الأزهر مدافع جدی اندیشه های اشاعره و ناقد سلفی گری و وهابیت است. در این زمان که همه مناطق تحت تسلط اشاعره بود، فردی به نام ابن تیمیه از اصحاب حدیث ظهور کرد و با نوشتن کتاب هایی همچون فتوی الحمویة الکبری و العقیده الوسطیه به شدت از اصحاب حدیث دفاع کرد و به نقد افکار اشاعره پرداخت و با برداشت های اشتباه خود، مکتب جدیدی به نام سلفیه تأسیس کرد.

احمد بن عبدالحمیم، معروف به ابن تیمیه در 661 ق. در خانواده ای حنبلی مذهب در شهر حران شام به دنیا آمد. (3)

او نزد پدر درس آموخت و فتوایی داد که باعث رنجش بسیاری از مسلمانان شد. در جنگ ممالیک مصر با مغولان شرکت کرد و مردم شام را بر ضد غازان خان

ص: 15

-
- 1- . تمام کتاب درء تعارض العقل و النقل ابن تیمیه، نقد این جمله فخر رازی است.
 - 2- . درباره اشاعره نک.: فرمانیان، مهدی، درس نامه فرق و مذاهب کلامی اهل سنت، درس اشاعره؛ وات، مونتگمری، فلسفه و کلام اسلامی، ص 34 به بعد.
 - 3- . در این بخش، از مدخل «ابن تیمیه» دائرة المعارف بزرگ اسلامی استفاده شده است.

مغول تحریک کرد. مردم به او گفتند که غازان مسلمان شده و جنگ مسلمان با مسلمان جایز نیست، ولی ابن تیمیه غازان خان را به خوارج تشبیه کرد و جنگ با وی را لازم شمرد. متأسفانه امروزه نیز داعش به پیروی از ابن تیمیه و با همین استدلال، کشتن شیعیان عراق را توجیه می‌کند و اسم آن را جهاد در راه خدا می‌گذارد. (1)

او به مخالفت با صوفیان و عرفای اسلامی برخاست و کتاب فصوص الحکم ابن عربی را نقد کرد و صوفیان را کافر خواند. نزد ابن تیمیه فقط اصحاب حدیث بر حق بودند و سایر مسلمانان، اعم از صوفیان، اشاعره، ماتریدیه، حنفیان و شیعیان، بر باطل اند. در 726 ق. ابن قیم جوزی شاگرد ابن تیمیه، توسل به انبیا را جایز ندانست و استحباب سفر برای زیارت قبر حضرت رسول صلی الله علیه و آله را منکر شد و در این زمینه به فتوای ابن تیمیه استناد کرد. مردم شام از این مسئله ناراحت شدند و باعث شد ابن تیمیه به زندان بیفتد. قاضیان مذاهب چهارگانه اهل سنت مصر، فتوای ابن تیمیه در خصوص معصیت دانستن سفر برای زیارت قبور انبیا را نکوهش کردند و حکم به حبس آن دادند. ابن تیمیه در 728 ق. در زندان از دنیا رفت.

وی خود را مجتهد مطلق می‌دانست، در حالی که به نظر تمام اهل سنت، بعد از ائمه اربعه، دیگر مجتهدی جامع الشرایط ظهور نکرده است که اجتهادی در حد اطلاق داشته باشد، ولی برخلاف این عقیده عمومی اهل سنت، ابن تیمیه خود را هم سطح ائمه اربعه می‌دانست و اجتهادات جدیدی داشت که باعث رنجش اهل سنت شد. بسیاری از بزرگان اهل سنت در رد عقاید ابن تیمیه کتاب نوشته‌اند و دیدگاه‌های خاص او را که تازگی داشت رد کردند. تقی الدین سبکی (متوفی 756 ق.)، شیخ الحدیث شام کتابی به نام شفاء السقام فی زیارة خیر الانام در رد عقاید ابن تیمیه نوشت و به استناد احادیثی همچون «من حج و لم یزرنی بعد مماتی فقد جفانی» ثابت کرد که سفر برای زیارت قبر پیامبر اسلام نه تنها حرام نیست، بلکه مستحب مؤکد است. (2) در مقابل، عده‌ای از اصحاب حدیث معاصر ابن تیمیه مثل ابن کثیر (متوفی 744 ق.)، صاحب البدایة و النهایة، ذهبی (متوفی 748 ق.)، مورخ و محدث معروف اهل سنت، مرّی صاحب تهذیب الکمّال (متوفی 742 ق.)، در عین برخی انتقادات، از ابن تیمیه تمجید و دفاع کرده‌اند. این افراد هیچ‌گاه عقاید جدید ابن تیمیه را نپذیرفتند، ولی از آن جهت که ابن تیمیه در مسلک آنها بود، از ابن تیمیه در مقابل اشاعره دفاع کردند. بزرگ‌ترین پیرو ابن تیمیه، شاگرد وی، ابن قیم جوزی (متوفی 751 ق.)، است که در تمام عقاید، تابع ابن تیمیه است و کتاب‌های فراوانی در تأیید عقاید ابن تیمیه نوشته‌است. ابن تیمیه در فقه و اعتقادات پیرو احمد بن حنبل محسوب می‌شود، ولی برداشت‌های جدیدی داشت که در سخنان و مطالب پیشینیان اثری از آن یافت نمی‌شود. (3)

مفهوم سلفی‌گری و تأسیس مکتب سلفیه

سلف در مقابل خلف، به معنای پیشینیان و درگذشتگان است و در ارتکاز ذهنی اهل سنت به معنای صحابه، تابعین و تابعین تابعین است. در نگاه اهل سنت، برخی از صحابه - نه همه صحابه - به عنوان سلف صالح شناخته می‌شوند. اهل سنت به عنوان پیروان مکتب خلفا، در مقابل شیعه به عنوان پیروان مکتب اهل بیت به دو مکتب مختلف تعلق دارند. اهل سنت، اسلامش را از خلفا و همراهان آنها گرفته و شیعه، اسلامش را از امام علی (علیه السلام) و فرزندان آن حضرت، که با لقب اهل بیت و ائمه از آنان یاد می‌شود، اخذ کرده‌است. (4)

بنابراین، خلفا و صحابه‌ای که همراه خلفا بودند، نزد اهل سنت، به ویژه اصحاب حدیث، محترم‌اند و بی‌احترامی به آنها، گاه با کفر فاعل آن همراه می‌شود. به همین علت برخی از سلفی‌ها حکم به کفر شیعه می‌دهند و بدون دلیل شرعی در این زمینه افراط می‌کنند.

با این توضیح می‌توان به این نتیجه رسید که «سلف» لفظی است آشنا و مقدس برای تمام اهل سنت در طول تاریخ، اما فهم سلف از اسلام در چه درجه‌ای از اعتبار است و اهل سنت چقدر آن را می‌پذیرند؟ اختلاف شدیدی میان مذاهب مختلف اهل سنت در این زمینه وجود

مکاتب و مذاهبی همچون اصحاب رأی، معتزله، اشاعره، و ماتریدییه با تمام احترامی که به سلف می گذارند، اما کمتر به فهم سلف اهمیت می دهند و حجیت چندانی برای فهم سلف قائل نیستند؛ اما مکاتب و مذاهبی همچون اصحاب اثر، اصحاب حدیث و سلفی ها، به

ص: 16

1- . بنگرید بیانیه ابو مصعب زرقاوی رهبر القاعده عراق در اینترنت.

2- . درباره گزارشی از این کتاب نک.: فرمانیان، مهدی، «گزارش کتاب شفاء السقام»، در: سراج منیر، ش 3 و 4، ص 280-294.

3- . درباره زندگی ابن تیمیه و افکارش نک.: شرقاوی، عبدالرحمن، الفقیه المهدّب ابن تیمیه؛ الشیبانی، محمد بن ابراهیم، اوراق مجموعة من حياة شيخ الاسلام ابن تیمیه؛ سعید، عبدالرحمن محمد، المقالات السنیه فی تبرئة شيخ الاسلام ابن تیمیه و

4- . در این زمینه بنگرید به کتاب بسیار خوب علامه سید مرتضی عسگری با عنوان معالم المدرستین که عقائد دو مدرسه، یعنی مدرسه خلفا و مدرسه اهل بیت، را به صورت تطبیقی تبیین و تحلیل کرده است.

فهم سلف و حتی به فتاوی صحابه اهمیت می دادند. احمد بن حنبل اگر پاسخ مسئله ای را در قرآن، سنت، و اجماع صحابه نمی یافت سراغ فتاوی صحابه می رفت و اگر در فتاوی صحابه نمی یافت، به فتاوی تابعین و حتی استادش شافعی توجه می کرد و بر اساس آن فتوا می داد و از دادن فتوای جدید احتراز می کرد. (1) بنابراین به پاسخ پرسش بالا می رسیم که اکثر اهل سنت - چه در طول تاریخ و چه اکنون - اگرچه برای سلف ارزش فراوانی قائل اند، اما فهم آنها را فهم برتر نمی دانند و فهمی با بن مایه های عقلی را فهم برتر می دانند.

اما با ظهور ابن تیمیه و تمسکش به حدیث «خیر القرون» (2) وی فهم سلف را فهم برتر دانست و بیان داشت که پیامبر در این حدیث، بهترین قرن را قرن اول، سپس قرن دوم و سپس قرن سوم دانسته است و در برخی روایات آمده که بعد از قرن سوم خیری نیست. ابن تیمیه با تمسک به این حدیث این قرون را قرون فاضله نامید و مدعی شد که خیر در این آیه عام است و شامل فهم هم می شود. بنابراین، ایمان، عمل و فهم سلف از ایمان و عمل و فهم خلف برتر است و هر کس معتقد باشد که فهم سلف از فهم خلف برتر است، سلفی است و مکتبش، مکتب سلفیه است. منظور ابن تیمیه از خلف، اشاعره، ماتریدیه، فلاسفه، عرفا و متکلمان بودند که از نظر ابن تیمیه فهم باطلی از دین دارند و در نگاه ایشان، فهم ظاهرگرای عقل گریز اصحاب حدیث از فهم تأویل گرای عقل محور متکلمان و فلاسفه و عرفا بهتر است. ابن تیمیه با تمسک به این حدیث، جمله مشهور اشاعره - فهم سلف اسلم و فهم خلف اعلم - را نقد کرد و فهم ظاهرگرای سلف را بر فهم تأویلی خلف ترجیح داد و بدین ترتیب مکتبی با عنوان سلفیه تأسیس کرد. بنابراین، سلفیه، به معنای دقیق کلمه، به کسانی اطلاق می شود که فهم ظاهرگرای اصحاب حدیث در باب صفات خبری را، بر فهم تأویل گرای اشاعره برتر بدانند.

با توجه به مطالب بیان شده می توان به این نتیجه رسید که دعوی ابن تیمیه، دعوی درون مذهبی و در تقابل با مذاهب کلامی خود اهل سنت، به ویژه اشاعره بود. به تعبیر دیگر، دعوی ابن تیمیه دعوی درون خانگی بود و در پی ترجیح اندیشه های اصحاب حدیث بر اشاعره بود. ابن تیمیه با این کار خود تفکر اصحاب حدیث را که به حاشیه رفته بود و در مقابل اشاعره قابلیت عرض اندام نداشت، با نسبت دادن آن به سلف احیا کرد، اما برخی اجتهادات جدید نیز بر آن افزود و آن را سلفیه نامید و بدین ترتیب مکتبی جدید در تاریخ تفکر مسلمانان به وجود آمد.

به نظر او، سلف بهتر از دیگران، اسلام (قرآن و سنت) را فهمیده اند؛ زیرا آنها یا با پیامبر زندگی کرده اند، یا با کسانی که با پیامبر زیسته اند، معاشرت داشته اند. بنابراین، فهم آنها بهترین فهم است و فهم خلف فهم درستی نیست و بر این اساس، عقیده متکلمان اشاعره و ماتریدیه و فیلسوفان و عرفا، بدعتی در دین است. چون فهم آنها فهم خلف است و فهم سلف بر فهم خلف برتری دارد. (3) یوسف قرضاوی با اینکه مدافع جدی ابن تیمیه است، اما به نکته ای اشاره می کند که تمام استدلال ابن تیمیه را متلاشی می کند. وی می گوید: «اکثر سلف در بسیاری از موارد می گفتند ما معنای این آیه را نمی دانیم و معنای آن را به خدا واگذار می کنیم». (4)

حال پرسش این است که اگر کسی معنای آیه ای را نمی داند، چگونه می تواند فهمش از همه برتر باشد. مثل آن است که بگوییم فلان انسان در این زمینه چیزی نمی داند، اما در این مسئله فهمش از همه برتر است.

ابن تیمیه با تفسیری اشتباه از مفهوم عبادت و توحید عبادی، احترام به قبور اولیای الهی را از مصادیق شرک دانست و تمام مسلمانان را مشرک و کافر معرفی کرد. (5) موضوعی که بعد از هفت قرن، مسلمانان را به جان هم انداخت و تبلیغات وسیعی در خصوص تکفیر در شبکه های ماهواره ای سلفی و وهابی طنین انداز شد.

بنابراین، ابن تیمیه سه برداشت و تفسیر جدید، اما غلط از مفاهیم دینی داشت که هر سه موضوع، امروزه باعث تحریک عده ای شده که سایر مسلمانان را به کفر و شرک متهم کرده اند و هزینه های فراوانی را به جهان اسلام تحمیل می کنند. این سه موضوع عبارتند از:

- 1- . بنگريد: مدخل احمد بن حنبل، در دائرة المعارف بزرگ اسلامى.
- 2- . حديث «خير القرن، قرنى ثم يلونى ثم يلونى» چهار بار در صحيح بخارى آمده است.
- 3- . نك.: ابن تيميه، مجموعة التفسير، ص 360-362؛ همو، العقيدة الحموية الكبرى، ج 1، ص 425-434؛ همو، الرد على المنطقيين، ص 457-469.
- 4- . نك.: قرضاوى، يوسف، الصحوة الاسلامية من المراهقة الى الرشد، ص 206.
- 5- . در اين زمينه بنگريد به دو كتاب زيارة القبور وقاعدة جليلة فى التوسل والوسيلة از ابن تيميه.

1. تغییر در مفهوم سلف و مقید کردن آن به سه نسل اول و برتر دانستن فهم آنها از دین و تأسیس مکتب سلفیه؛ با تأسیس این مکتب، بار دیگر ضدیت با عقل اصحاب حدیث، با لباسی جدید ظهور کرد و در دوره معاصر، باعث بدفهمی از اسلام و تئوریزه شدن خشونت شد.

2. توسعه در مفهوم عبادت و مشرک دانستن همه مسلمانان؛ که متأسفانه در عصر حاضر وهابیت علم این تکفیر را به دست گرفته است و همه را کافر و مشرک می داند و تفرقه را در جهان اسلام نهادینه می کند.

3. تغییر در مفهوم اجتهاد نزد اهل سنت و حرام دانستن تقلید از ائمه اربعه؛ که باعث شده است افرادی مثل زرقاوی و ابوبکر البغدادی خود را مجتهد مطلق بدانند و جان و مال و ناموس مسلمانان را برای خود مباح کنند و حکم به قتل و غارت اموال دیگران بدهند و اسلام هراسی را در جهان نهادینه کنند.

بنابراین، تمام مشکلاتی که امروز دنیای اسلام گرفتار آن است، از بدفهمی های ابن تیمیه، محمد بن عبدالوهاب و دیگر سلفیان از دین اسلام است. دینی که آمده است تا اخلاق را به کمال برساند، دین شمشیر و خشونت معرفی شده است. بنابراین، امروزه جهان اسلام با معضلی به نام ابن تیمیه درگیر است که معلوم نیست چه وقت از آن خلاصی بیابد.

قرن دوازده هجری و بازگشت سلفی گری

اندیشه های ابن تیمیه فقط در میان شاگردانش رونق داشت و با درگذشت شاگردانش، عقاید خاص ابن تیمیه به محاق رفت و چهار قرن هیچ عالمی حتی از اصحاب حدیث طرفدار او نبود؛ بلکه به نقد اندیشه های ابن تیمیه پرداختند. ابن حجر عسقلانی از بزرگ ترین عالمان اصحاب حدیث پس از ابن تیمیه، به نقد افکار وی پرداخت و حتی تصریح کرد که ابن تیمیه به دلیل تقابل با شیعه، به تنقیص امام علی (علیه السلام) پرداخته است. سیوطی و متقی هندی از دیگر بزرگان اصحاب حدیث قرن یازدهم هجری هستند که نه تنها اندیشه های ابن تیمیه را قبول نداشتند، بلکه علیه آن نیز مطالبی نوشتند؛ اما در قرن دوازدهم هجری اساتیدی در مدینه به تدریس اندیشه های ابن تیمیه پرداختند و شاگردانی از اقصی نقاط عالم پیدا کردند که سه نفر از آنها باعث تأسیس مکاتب فکری مختلفی با پذیرش تمام یا برخی از عقاید خاص ابن تیمیه شدند. این سه نفر عبارتند از: محمد بن عبدالوهاب که با کمک آل سعود وهابیت را به وجود آورد؛ ابن الامیر صنعانی که به تقویت سلفیه زیدی پرداخت، و شاه ولی الله دهلوی که افکارش را در هند پخش کرد و پیروانی یافت که به دیوبندیه مشهور شدند. از این سه نفر فقط محمد بن عبدالوهاب معتقد به تکفیر مسلمانان است و شاه ولی الله دهلوی و ابن الامیر صنعانی با پذیرش افکار ابن تیمیه، معتقد به تکفیر مسلمانان نبودند.

وهابیت، مقلدان محض ابن تیمیه

یکی از جریان های تکفیری در عصر حاضر، وهابیت است که دو دوره مهم دارد؛ دوره نخست از 1160 ق. که آغاز آن پیمان محمد بن عبدالوهاب با محمد بن سعود در درعیه است. در این پیمان مقرر شد که محمد بن عبدالوهاب و فرزندانش، رهبر مذهبی و محمد بن سعود و فرزندانش، رهبر سیاسی باشند. در این زمان، با حکم تکفیر مسلمانان از سوی محمد بن عبدالوهاب، محمد بن سعود به اطراف حمله می کرد و کشتار و غارت اموال مسلمانان به اسم شرک و کفر صورت می گرفت. همچنین، در این دوران، اکثر حنابله منطقه نجد به دست آل سعود و با فتاوی محمد بن عبدالوهاب و فرزندانش کشته شدند و تفکر وهابیت با شمشیر گسترش یافت. وهابیان در 1216 ق. به کربلا- و نجف حمله، و حرم امام حسین (علیه السلام) را غارت کردند و بیش از پنج هزار نفر از زائران حسینی را با ندای «اقتلوا المشرکین» و «اذبحوا الکافرین» سر بریدند. (1) در این زمان، انگلستان، که مسائل منطقه را رصد می کرد، با وهابیت ارتباط برقرار کرد و

وهابیان و آل سعود را مهره های خوبی برای تضعیف امپراتوری عثمانی یافت. (2)

اما حمله به کربلا و نجف و تسخیر مکه و مدینه برای امپراتوری عثمانی گران تمام شد و به پاشای مصر دستور داد با حمله به حجاز و نجد، آن منطقه را از لوٹ تکفیری ها پاک کند. پاشای مصر در 1233هـ-ق. بر آل سعود چیره شد و عبدالله بن سعود، رهبر وهابیان، در 1235 ق. در اسلامبول به دار آویخته شد و این چنین دوره اول وهابیت به پایان رسید؛ اما انگلستان این استعمار پیر، همان شب نماینده خود

ص: 18

1- . درباره جنایات وهابیت در این دوره، نک.: کوثری، احمد، «جنایات وهابیت تکفیری در کربلا و نجف با تأکید بر دوره اول»، در: مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ج 1، ص 83-105؛ و نیز موجانی، سید علی و عقیقی بخشایشی، امیر، تقاریر نجد، ص 82.

2- . در این زمینه نک.: موجانی، سید علی و عقیقی بخشایشی، امیر، تقاریر نجد، ص 77-81.

را به نجد فرستاد تا امانتی را از ابراهیم پاشا بگیرد. معلوم نیست نماینده انگلیس از پاشا چه می خواست، اما آن قدر مهم بود که نماینده انگلیس تا مکه همراه ابراهیم پاشا رفت تا توانست وقت ملاقات بگیرد و درخواست خود را بیان کند، یا شاید چیزی را که می خواست از ابراهیم پاشا بگیرد. آیا در میان اسیران، جاسوسی از انگلستان بود که قرار بود نماینده انگلستان او را نجات دهد؟ برای ما معلوم نیست. شاید تاریخ در آینده روشن کند. (1)

دومین دوره مهم وهابیت از 1319 ق. با ظهور عبدالعزیز بن عبدالرحمن شروع می شود. در این زمان، انگلستان برای تضعیف امپراتوری عثمانی به افرادی در اطراف و اکناف جهان اسلام کمک می کرد تا با تسخیر برخی مناطق و اعلام استقلال به تضعیف امپراتوری عثمانی بپردازند. یکی از این افراد، جوانی نوزده ساله از خاندان آل سعود بود که به کمک انگلستان توانست منطقه نجد را تصرف و با فروپاشی امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول، اعلام استقلال کند و عربستان سعودی را بنیان نهد.

با وجود امپراتوری عثمانی، انگلستان به عبدالعزیز اجازه حمله به حجاز را نمی داد و فقط منطقه نجد را در اختیار داشت، اما با فروپاشی عثمانی و چراغ سبز انگلستان، عبدالعزیز به حجاز حمله کرد و در 1343 ق. منطقه حجاز را تصرف و مکه و مدینه را ضمیمه قلمرو آل سعود کرد و به تخریب قبور اولیای الهی پرداخت و قبه های متبرک ائمه بقیع در هشت شوال 1344 ق. تخریب شد که موجب رنجش مسلمانان جهان شد. آنها می خواستند قبر شریف و مطهر پیامبر خدا را نیز تخریب کنند که با مقاومت مردم مدینه و عصبانیت مسلمانان جهان رویه رو شدند و بنا به مصلحت از این کار دست کشیدند.

بعد از جنگ جهانی دوم و تضعیف انگلستان، چاه های نفت در عربستان کشف شد و شرکت های نفتی آرامکوی آمریکا به عربستان سرازیر شدند و با قراردادهای یکصدساله، ارتباط عبدالعزیز و آل سعود با آمریکا برقرار شد و آمریکا عملاً جای انگلیس را در حکومت پادشاهی عربستان گرفت. عبدالعزیز بعد از تأسیس عربستان به کمک انگلستان و بیش از پنجاه سال حکومت از دنیا رفت و بنا به وصیت وی، فرزندانش بر عربستان حکومت کردند. بعد از عبدالعزیز، به ترتیب، سعود، فیصل، خالد، فهد و اکنون پس از مرگ عبدالله، سلمان بن عبدالعزیز پادشاه عربستان است و در این مدت ارتباط با آمریکا هیچ گاه قطع نشد.

دوره سعود و فیصل مصادف بود با حضور تفکر سوسیالیسم در جهان عرب و بر سر کار آمدن رهبرانی چون جمال عبدالناصر در مصر، قذافی در لیبی، حافظ اسد در سوریه، صدام در عراق و شاه عبدالله در اردن که همگی گرایش به چپ داشتند و همین امر باعث شد آمریکا از حضور این تفکر در جهان اسلام به وحشت افتد و به پادشاه ایران و عربستان دستور دهد که برای جلوگیری از گسترش تفکر چپ در جهان اسلام به فکر چاره بيفتند. بدین منظور کنفرانس اسلامی در جدّه تأسیس شد که بیشترین هزینه آن را عربستان پرداخت می کرد. سازمان کنفرانس اسلامی فرصت بسیار مناسبی برای عربستان ایجاد کرد تا به گسترش وهابیت بپردازد. آمریکا به عربستان اجازه داد در تمام جهان مدرسه و مسجد بسازند و با گسترش تفکر وهابیت از گسترش تفکر چپ جلوگیری کنند. سیاست آمریکا باعث شد عربستان تفکر وهابیت را نه تنها در جهان اسلام، بلکه در اروپا هم گسترش دهد، به طوری که همان جوانانی که در مدارس و مساجد وهابیت تربیت یافتند، هم اکنون با فتوهای مفتیان وهابی همچون عدنان عرعور و امثال آنها به سوریه و عراق می روند و به داعش می پیوندند. بدین ترتیب برای جلوگیری از گسترش چپ، آدم کشانی تربیت شدند که به نام خدا و به اسم اسلام سر مسلمانان را می برند و اسلام هراسی را در جهان گسترش می دهند. بنابراین، اکنون وهابیت به صورت اقلیت در تمام جهان، به ویژه جهان اسلام، پراکنده شده و با کمک استکبار جهانی و پول های نفت مسلمانان هر روز گسترش می یابد و تفرقه را در جهان اسلام نهادینه می کند. (2)

یکی دیگر از جریان‌هایی که تحت تأثیر اندیشه‌های ابن تیمیه بوده و مسامحتاً از جریان‌های سلفی محسوب می‌شود، دیوبندیه است که تابع تفکرات شاه ولی‌الله دهلوی است. شاه ولی‌الله دهلوی یکی از عالمان بزرگ شبه‌قاره هند با سفر به مدینه و پذیرش برخی افکار ابن تیمیه به هند بازگشت و به ترویج افکار وی پرداخت. دوران شاه ولی‌الله مصادف با ورود کمپانی هند شرقی به هند و تضعیف مسلمانان بود. به همین علت،

ص: 19

1- . همان، ص 145-150.

2- . در کتابچه سوم از سلسله کتابچه‌های چهارده‌گانه جریان‌شناسی سلفی‌گری معاصر، به تفصیل به وهابیت می‌پردازیم.

بعد از وی، شاه عبدالعزیز دهلوی، هند را دارالحرب معرفی کرد و قیام مسلمانان علیه انگلستان را واجب دانست؛ اما تمام قیام های مسلمانان علیه انگلستان، به ویژه قیام 1857 به شکست انجامید و مسلمانان هند مأیوس از همه جا به فکر چاره افتادند و علمای اهل سنت هند به این نتیجه رسیدند که علت اصلی این مصائب، دور شدن مسلمانان هند از ایمان و عمل و رفتار سلف است. به همین علت به تفکرات شاه ولی الله، که تحت تأثیر ابن تیمیه از سلف یاد کرده بود، روی آوردند و مدارسی در این زمینه تأسیس کردند. نخستین مدرسه ای که بر اساس اندیشه شاه ولی الله دهلوی در هند ایجاد شد، مدرسه ای در روستای دیوبند در نزدیکی دهلی بود که سرفصل دروس خود را بر اساس تفکر شاه ولی الله دهلوی بنیان نهاد. بدین ترتیب مکتبی ظهور یافت که به اسم آن روستا، دیوبندیه نام گرفت، حال آنکه باید نام این مکتب را شاه ولی اللهیه نامید.

این تفکر به سرعت در هند تحت اشغال انگلستان گسترش یافت و بسیاری از مدارس سرفصل دروس خود را بر اساس تفکر شاه ولی الله تنظیم کردند و تفکر دیوبندیه رشد کرد. از دل این مدرسه فردی با تأسیس سازمانی به نام جماعت التبلیغ به گسترش این تفکر کمک شایانی کرد. جماعت التبلیغ در 1926 میلادی، هم زمان با فروپاشی امپراتوری عثمانی تأسیس شد. مولانا محمد الیاس کاندهلوی، مؤسس این سازمان، از مردم عادی خواست که برای تبلیغ دین، سه روز به تبلیغ بروند و برای خدا به تبلیغ پردازند. این طرح در فضای هند تحت سلطه بریتانیا و با توجه به فروپاشی عثمانی با اقبال فراوان مسلمانان هند مواجه شد و گسترش یافت. این سازمان باعث گسترش تفکر دیوبندیه در جهان شد و اکنون جماعت التبلیغ در 160 کشور جهان حضور دارند و به تبلیغ تفکرات دیوبندیه و ابن تیمیه می پردازند. تخمین زده می شود که اکنون این سازمان حداقل دهمیلیون مبلغ داشته باشد که تفکر ابن تیمیه را گسترش می دهند.

از درون مدارس دیوبند، گروهی نظامی، به نام سپاه صحابه، بیرون آمد که در تقابل با شیعه در 1985 و در پاکستان به وجود آمد و وظیفه خود را مقابله با شیعه و کافر خواندن آنها می داند. این گروه معتقد است از آن جهت که شیعه به صحابه توهین می کند، کشتن آنها واجب است و دفاع از صحابه بر ما واجب عینی است. البته این افراد که بیشتر آنها مولوی های فارغ التحصیل مدارس دیوبند هستند، هیچ دلیل شرعی از کتاب و سنت برای قتل شیعیان ندارند، اما تندروی و افراط همیشه در همه فرقه ها وجود دارد. شایان ذکر است که اکثر دیوبندیان مخالف تکفیر شیعه هستند و کشتن آنها را جایز نمی دانند و با سپاه صحابه مخالف اند.

از دیگر گروه هایی که از مدارس دیوبند فارغ التحصیل شده اند، طالبان هستند. گروه نظامی طالبان همگی فارغ التحصیلان مدارس دیوبند در شمال پاکستان بودند که از مدارس مولوی سمیع الحق و مولوی حقانی و مولوی فضل الرحمان فارغ التحصیل شدند و با رویکردی تند به مخالفت با مظاهر مدرنیته پرداختند و در 1371 هـ.ش. به کمک پاکستان به افغانستان حمله کردند و سریع خود را به کابل رساندند. با حمله آمریکا در سال 2001 به افغانستان از حکومت ساقط شدند، اما هیچ گاه از بین نرفتند، بلکه بر تعداد آنها افزوده شد و طالبان پاکستان نیز در 2006 تأسیس شده است. طالبان اگرچه تند و افراطی هستند و شیعه را کافر می دانند، اما در ده سال گذشته عملی بر ضد شیعه و ایران انجام نداده اند.

اخوان المسلمین، تشکیلاتی برای رسیدن به حکومت

سومین جریان سلفی، سازمان اخوان المسلمین مصر است که حسن البناء در 1928 آن را تأسیس کرد. حسن البناء تحت تأثیر تألیفات و مقالات سید محمد رشید رضا به اندیشه های ابن تیمیه گرایش یافت. رشید رضا، خود، شاگرد محمد عبده بود و اندیشه های اصلاح طلبی داشت، اما انتشار آثار ابن تیمیه در مصر و اتفاقات تاریخی زمان رشید رضا باعث شد رشید رضا افکار ابن تیمیه را بپذیرد، ولی برخلاف وهابیان، معتقد به تکفیر مسلمانان نبود. دکتر یوسف قرضاوی از رشید رضا با عنوان «سلفیه مستتیر» یاد کرده است.

حسن البناء با مطالعه مجله المنار به سلفیت گرایش پیدا کرد و در رساله اعتقادات خود تصریح دارد که دیدگاه سلف در باب صفات خیری اسلام است. وی با رویکردی اعتدالی و تقریبی، مسائلی را که وهابیت شرک می دانستند بدعت می داند و از این جهت اختلافاتی با وهابیان و دیگر سلفیان دارد. دغدغه حسن البناء حکومت اسلامی بود و برای احیای خلافت اسلامی، سازمان اخوان المسلمین را تأسیس کرد. اخوان المسلمین اگرچه خود را سلفی می نامند، اما با دیگر سلفیان، به ویژه وهابیت، اختلافات فراوانی دارند. تأکید بر مردم سالاری دینی و توجه به شعار الاسلام هو الحل و

ص: 20

نگاه مثبت به شیعه، به عنوان یکی از مذاهب اسلامی، از امتیازات اخوان المسلمین است که شیعه را به آنها نزدیک می کند. اخوان المسلمین مهم ترین سازمانی است که در بیداری اسلامی نقش مهمی داشته و دارد و از این حیث با انقلاب اسلامی در ایران هم سوست.

اخوان المسلمین با رویکرد الاسلام هو الحل و برای رسیدن به حکومت، توانستند در بسیاری از کشورها نفوذ کنند. این سازمان تشکیلاتی است و در سی و هشت کشور جهان دفتر مستقل دارد و با انتخابات، هیئت امنای خود را انتخاب می کنند. اخوان المسلمین مبانی علمی و فکری محکمی ندارد. به همین علت، عمل گرایی در آن شدید است و گاه تا یکصد و هشتاد درجه چرخش فکری و عملی دارد. با توجه به همین نکته است که در هر کشوری با مقتضیات آن کشور همراه شده است. بنابراین، می توان سه گ-رایش در اخوان المسلمین یافت که عبارتند از: اخوان سکولار، مثل اردوغان در ترکیه، اخوان سلفی، مثل دکتر یوسف قرضاوی، و اخوان صوفیانه که در برخی از کشورها و در میان بزرگان اخوان المسلمین مصر یافت می شوند.

سلفیان جهادی: تنگ به دوشانی در پی یافتن مکانی برای جهاد

از دل تفکرات دعوت گرانی همچون اخوان المسلمین، افرادی ظهور کردند که جهاد را بر هر چیز مقدم داشتند و تنگ به دوشانی شدند که در عالم می گردند تا مکانی برای جهاد بیابند. مهم آن نیست که این جهاد مطامع چه کسی را تقویت و اعتبار چه چیزی را کم می کند، مهم آن است که جهاد کنند. اما برای چه و برای که؟ این مسئله برای آنها مهم نیست.

با نگارش کتاب معالم فی الطریق اثر سید قطب و انتساب تمامی شهرهای اسلامی به شهرهای جاهلی، تعدادی از جوانان تند و افراطی اخوان المسلمین که از مدارا و تسامح رهبران اخوان المسلمین مصر خسته شده بودند به این تفکر روی آوردند و گروه های جهادی متعددی در مصر تشکیل دادند. شکری مصطفی با تشکیل گروه جماعة المسلمین (التکفیر و الهجرة) و نگارش رساله الایمان و محمد عبدالسلام فرج با تأسیس گروه الجهاد و تألیف کتاب الفریضة الغائبة، جهاد را واجب فراموش شده معرفی کردند و مدعی شدند که بر هر مسلمانی جهاد برای بر پا کردن حکومت و خلافت اسلامی واجب عینی است و باید این فریضه احیا شود. این افراد تمام مسلمانان را به دلیل پذیرش یا سکوت در مقابل فرهنگ غرب و حاکمانی که بغیر ما انزل الله حکم می کنند، کافر دانستند و تمام افرادی را که به این حاکمان کمک می کنند مهدور الدم معرفی کردند و به ترور سادات دست زدند. این افراد معتقد بودند مسلمانانی که به حاکمان سکولار کمک می کنند، عدو قریب (دشمن نزدیک) ما هستند و آمریکا و اسرائیل عدو بعید (دشمن دور) هستند. (1)

در این زمان شوروی به افغانستان حمله کرد و افرادی که به دنبال جهاد بودند، مکانی برای جهاد یافتند. آنها به افغانستان رفتند و عرب - افغان یا افغان العرب ها نام گرفتند. رهبر این گروه فردی به نام دکتر عبدالله عزّام بود که برای وجوب جهاد و عینی بودن آن بر هر مسلمان، آثار فراوانی تألیف کرد. در این زمان آمریکا با همکاری عربستان و پاکستان به این افراد، کمک نظامی کرد تا افغانستان، ویتنام شوروی شود. حکم جهاد علمای وهابی مزید بر علت شد و افرادی را از جهان اسلام به افغانستان سرازیر کرد. در این زمان شوروی و مدافعان آن در افغانستان عدو قریب (دشمن نزدیک) شدند و مسلمانان از دست این افراد در امان بودند.

جنگ شوروی به نفع مجاهدان افغانی تمام شد، اما حکومت اسلامی تشکیل نشد. با ترور عبدالله عزّام کمک ها قطع شد. این افراد که جهاد را واجب عینی می دانستند، در عالم پراکنده شده بودند و مکانی برای جهاد می جستند. چچن مکان بعدی آنها برای جهاد بود. سپس بوسنی و در ادامه یمن و هرجا در جهان اسلام آشوب داخلی به وجود می آمد، سر و کله این جاهلان و به زعم خود، جهادیون (مجاهدین) پیدا می شد.

نبرد رهبری واحد، باعث پراکندگی سلفیان جهادی بود تا اینکه در اوایل دهه نود میلادی، مجاهدین، اسامه بن لادن را به عنوان رهبر خود انتخاب کردند و گروهی به نام «جبهه جهاد علیه صلیبیون و یهود» تأسیس کردند که به القاعده شهرت یافت. عدو قریب (دشمن نزدیک) القاعده، آمریکا بود و تمام عملیات های القاعده علیه مواضع آمریکا بود، اما در این عملیات ها مسلمانان فراوانی کشته شدند. حمله به سفارت خانه های آمریکا در کنیا و تانزانیا و حمله به کشتی آمریکایی در خلیج عدن از مهم ترین عملیات های القاعده علیه آمریکا بود.

ص: 21

1- . در این زمینه نک.: کپل، ژیل، پیامبر و فرعون، ترجمه دکتر حمید احمدی، انتشارات کیهان، ص 145 به بعد.

در 11 سپتامبر 2001 برج های دوقلوی سازمان تجارت جهانی با حمله هواپیماهای مسافربری مواجه شد و انگشت اتهام به سمت القاعده رفت. اسامه بن لادن، که رهبر القاعده بود، مهم ترین تروریست جهان شناخته شد. آمریکا به افغانستان محل استقرار اسامه بن لادن حمله کرد تا اینکه توانست او را در 2011 در ابوت آباد پاکستان در منزلی بکشد.

در 2003، آمریکا به بهانه مبارزه با تروریسم و سلاح های کشتار جمعی به عراق حمله کرد و گروه های سلفی جهادی متعددی در عراق شکل گرفت که گروه التوحید و الجهاد زرقاوی از مهم ترین این گروه ها بود. زرقاوی به جای حمله به مواضع آمریکا، شیعیان را عدو قریب (دشمن نزدیک) خود نامید و با نوشتن رساله هل اتاک حدیث الرافضة به جنگ مذهبی دامن زد.

با شورش عده ای در سوریه علیه دولت قانونی بشار اسد، القاعده عراق به سوریه آمد و در 2013 به دلیل اختلافات داخلی القاعده، داعش به عنوان جریانی جدید از دل القاعده بیرون آمد که شیعیان مهم ترین دشمن این گروه محسوب شدند و با تصرف بخش وسیعی از عراق در ماه مبارک رمضان امسال (1393 هـ - ش. 1435/ق. 2014 م.) ابوبکر البغدادی، رهبر داعش، اعلام خلافت اسلامی کرد و خود را خلیفه مسلمانان نامید.

ادعای ابوبکر البغدادی در خصوص خلافت اسلامی بازتاب فراوانی در جهان اسلام داشت. عده ای از سلفیان جهادی که آرزوی تأسیس حکومت اسلامی را داشتند به داعش پیوستند و عده ای نیز همچون القاعده، این خلافت را مشروع ندانستند و به مخالفت با آن پرداختند. اعلام خلافت، زنگ خطری برای تمام پادشاهان منطقه بود. لذا حامیان دیروز داعش، به یکباره مخالفان امروز آن شدند و کشورهای حاشیه خلیج فارس از حامی به دشمن داعش تبدیل شدند. (1)

تقسیم بندی های گوناگون در خصوص جریان شناسی سلفی گری

درباره تقسیم بندی جریان های سلفی میان محققان و نویسندگان هیچ اتفاق نظری وجود ندارد. هر کسی با توجه به برخی مسائل، به تقسیم بندی سلفیه پرداخته است و سلفیان را به اقسام و انواع گوناگونی تقسیم کرده که گاه هیچ اشتراکی با هم ندارند. دکتر یوسف قرضاوی در کتاب الصحوة الاسلامیة من المراهقة الی الرشد مطالب جالبی درباره سلفیان بیان داشته است. وی سلفیان را معادل وهابیان گرفته است و خود وهابیان را به چند دسته تقسیم کرده است. قرضاوی می نویسد:

کلمه سلفیون تعبیری جدید است. نمی دانم از کجا شیوع یافته است. قبلاً به این افراد «اهل حدیث» یا «اهل اثر» می گفتند ... مهم ترین اختلاف ایشان با دیگران درباره صفات خبری است ... اهل اثر این صفات را برای خدا ثابت می کردند، ولی درباره معنایش سخن نمی گفتند ... مهم ترین مدافع سلفیه، ابن تیمیه است ... و در عصر حاضر تفکر سلفی به دست محمد بن عبدالوهاب احیا شد ... اما محمد بن عبدالوهاب تفکر اصلاحی در فقه و شئون زندگی نداشت. شاید دلیل آن این است که در بادیه زندگی می کرده است ... پیروان ایشان هم فقط بر نصوص تأکید کرده اند و بر آن توقف می کنند. این جریان از مقاصد شریعت چیزی نمی داند و بر الفاظ تأکید می کند ... یکی دیگر از ائمه سلفیه معاصر، رشید رضا است ... اما سلفیون معاصر چندان به او توجه نمی کنند. زیرا تحت تأثیر محمد عبده بود، اما او زعیم سلفیه مستنیر است ... عده ای از سلفیون، سلفیه سیاسی هستند ... کسانی که از فکر اخوان المسلمین متأثرند ... مثل سلمان العوده، سفر الحوالی، عایض القرنی و دیگران ... دسته دیگر از سلفیون، اُلبانی ها هستند ... که تقلید از مذاهب اربعه را حرام می دانند ... اما خودشان از اُلبانی تقلید می کنند. گویا مذهب پنجمی را در کنار مذاهب اربعه تأسیس کرده اند ... عده ای دیگر از سلفیون، جامی ها هستند که رئیس آنها ربیع مدخلی است که به همه طعن می زند ... یکی از گرفتاری های عصر ما این است که بسیاری از جوانان را می بینی حتی یک کتاب حدیثی را نمی توانند بخوانند ... اما ادعای اجتهاد مطلق می کنند و می گویند ائمه اربعه رجال و نحن رجال ... شیخ

دکتر یوسف قرضاوی در این تقسیم بندی، اختلافات یک طیف از سلفی ها را که یا وهابی اند و یا تفکری بسیار نزدیک به وهابیت دارند بیان می کند و نشان می دهد که خود وهابی ها، چند گرایش فکری دارند. البته وی به طیف طرفداران رشید رضا هم اشاره دارد که امروز، گروه

ص: 22

-
- 1- . این چهار جریان (وهابیت، دیوبندیه، اخوان المسلمین و سلفیان جهادی) مهم ترین جریان های سلفی عصر حاضرند که به اختصار به آنها پرداختیم و تفصیل آن را می توانید در کتابچه های بعدی دنبال کنید.
 - 2- . قرضاوی، یوسف، الصحوة الاسلامیة من المراهقة الی الرشد، ص 201-205.

خاصی را در این زمینه نمی شناسیم. قرضاوی همچنین از سلفیه جهادی به عنوان جوانانی که از دین هیچ چیز نمی دانند، اما خود را مجتهد مطلق می دانند، یاد کرده، اما از آنها نامی نبرده است.

تقسیم بندی دیگری، که در سایت احزاب و مذاهب وابسته به اهل سنت کردستان آمده، سلفیان را به چهار گروه تقسیم کرده است: سلفیه اصلی یا سنتی، سلفیه معتدل، سلفیه البانی و سلفیه جهادی یا سیاسی. در این تقسیم بندی برخی از بزرگان و سازمان های وهابی در قسم اول و برخی دیگر از وهابیان در قسم دوم قرار داده شده اند و به نوعی، سه قسم نخست این تقسیم، تقسیم یک طیف فکری، به سه قسم است. در این تقسیم بندی اخوان المسلمین و دیوبندیه از سلفیان محسوب نمی شوند. (1)

یکی از نویسندگان قطری تقسیم بندی دقیق تری انجام داده است و سلفیان را به سه قسم تقلیدی، اصلاحی و جهادی تقسیم کرده است. در نگاه وی، تمام عالمانی که یا وهابی اند یا اندیشه ای نزدیک به وهابیت دارند، سلفیه تقلیدی نامیده می شوند. به عبارت دیگر، تمام تقسیمات یوسف قرضاوی زیر مجموعه سلفیه تقلیدی است. در این تقسیم بندی جریان هایی مثل اخوان المسلمین یا گروه های نزدیک به آن زیر مجموعه سلفیه اصلاحی قرار می گیرند و تمام گروه هایی که قائل به وجوب جهادند، اعم از القاعده و داعش و دیگر گروه های جهادی زیر مجموعه سلفیه جهادی قرار می گیرند. این تقسیم بندی به واقعیت خارجی و محتوای فکری طیف های فکری سلفی، بسیار نزدیک است و از همه تقسیم بندی ها بهتر است، اما در این تقسیم بندی جایی برای دیوبندیه و جماعت التبلیغ وجود ندارد. (2)

در تقسیم بندی دیگری که در کتاب تبارشناسی سلفی گری و وهابیت صورت گرفته، سلفیان به پنج گروه عمده تقسیم شده اند که عبارتند از: سلفیه تکفیری مثل وهابیت، سپاه صحابه، لشکر طیبه و جهنگوی؛ سلفیه جهادی در اندیشه سید قطب و عبدالسلام فرج و چند جماعت در الجزایر و حزب التحریر و القاعده و زرقاوی؛ سلفیه تبلیغی مثل جماعت التبلیغ و اهل حدیث پاکستان مثل احسان الاهی ظهیر؛ سلفیه سیاسی مثل جماعت اسلامی مودودی و جمعیت علمای اسلام پاکستان و اخوان المسلمین و طالبان؛ سلفیه اصلاحی یا تنویری مثل سید جمال و عبده و اقبال و شلتوت. در این تقسیم بندی جریان ها بر اساس رویکردشان در مسائل سیاسی و فکری تقسیم شده و گاه تداخل هایی در آن دیده می شود. (3)

دکتر ابولوز از محققان شمال آفریقا در پایان نامه دکتری خود با عنوان «سلفیه در مغرب»، سلفیان را به سه دسته تقلیدی، علمی، و جهادی تقسیم می کند. در تقسیم بندی وی نامی از اخوان المسلمین و دیوبندیه وجود ندارد. (4)

تقسیم بندی سلفیان به همین پژوهش گران و محققان معدود، محدود نمی شود و افراد دیگری نیز تقسیم بندی های خاص خود را دارند، اما این تشتت در تقسیم بندی نشان می دهد که در باب سلفیه و سلفی گری هیچ وحدت فکری ای وجود ندارد و هنوز در تعریف سلفی و سلفی گری اختلافات فراوانی میان محققان هست.

برای فهم صحیح از گرایش های سلفیه یک بار دیگر باید مفهوم سلفی گری را بازبینی کنیم. به نظر مبدع و جاعل مکتب سلفیه، یعنی ابن تیمیه، سلفی کسی است که فهم ظاهرگرای سلف در صفات خبری را بر فهم تأویل گرای اشاعره برتر بداند. بنابراین، هر کس این عقیده را داشته باشد و به آن پای بند باشد، سلفی است، اما از جریان های سلفی عصر حاضر فقط وهابیان و افرادی که تفکراتشان به وهابیت نزدیک است به این عقیده التزام دارند و هیچ یک از جریان های دیگر سلفی اعم از اخوان المسلمین، دیوبندیه و حتی سلفیان جهادی التزام دقیقی به این تعریف ندارند و اطلاق سلفی به این گروه ها تسامحی است. زیرا خلط افکار و بدعت های جدید ابن تیمیه و انتساب این افکار به سلف باعث شده است هر کس که برخی یا تمام عقاید خاص ابن تیمیه در باب توحید و شرک و احترام به قبور اولیای الاهی را بپذیرد، متصف به سلفی گری شود، اگرچه به تعریف سلفی گری هیچ التزامی نداشته باشد. بر همین اساس باید گفت این جریان های سلفی

موجود در واقع جریان های سلفی نیستند، بلکه جریان های تحت تأثیر افکار ابن تیمیه هستند و باید این جریان ها را «جریان های ابن تیمیه ای» نامید.

ص: 23

1- . نک.: «انشعابات اصلی سلفیه در سطح جهانی»، در: <http://ahzab.blogspot.com/1390/04/08/post-64> تاریخ دسترسی: 13/10/2012.

2- . بنگرید: مصطفی، حمزه مصطفی (2013). «جبهه کمک به اهالی سوریه (النصره) از پیدایش تا تجزیه»، در: <http://okhowah.com> تاریخ دسترسی: 4/7/93.

3- . نک.: علیزاده موسوی، سید مهدی، سلفی گری و وهابیت: تبارشناسی، ج 1، ص 80-85.

4- . أبو اللوز، عبدالحکیم، الحركات السلفية في المغرب، ص 201.

بنابراین، و مطابق تعریف ابن تیمیه از سلفیه، دیوبندیان به هیچ وجه سلفی به معنای دقیق کلمه نیستند، اگرچه برخی از افکار ابن تیمیه را قبول دارند و جماعت التبلیغ به تبلیغ آن می پردازد. اخوان المسلمین هم به معنای دقیق کلمه سلفی نیست، اما در برخی از گرایش های موجود در اخوان المسلمین تفکر سلفی دیده می شود، اما همه آنها را نمی توان به سلفی منتسب کرد. برخی از اخوان المسلمین افکار ابن تیمیه در باب قبور را تبلیغ می کنند، اما تأویل را هم می پذیرند و در فقه، به دنبال فقه مقاصدی هستند و از بزرگان اشاعره و صوفیان هم به نیکی یاد می کنند. سلفیان جهادی هم به معنای دقیق کلمه سلفی نیستند، اگرچه برخی از وهابیان مثل اسامه بن لادن به آنها پیوسته اند و تفکر وهابیت در میان آنها رشد کرده است، اما بیشتر آنها این گونه نیستند و التقاطی از افکار را در میان بزرگان آنها می توان دید. بنابراین، امروزه جهان اسلام گرفتار معضلی به نام ابن تیمیه است که حلقه وصل و نخ تسبیح تمام گروه های به اصطلاح سلفی است.

1. «انشعابات اصلي سلفيه در سطح جهاني»، در:
<http://ahzab.blogspot.com/1390/04/08/post-64>
2. ابن عساکر، ابی القاسم علی بن الحسن بن هبة الله (1404). تبیین کذب المفتري فيما نسب الى الامام علی ابی الحسن الاشعري، بیروت: دار الكتاب العربي.
3. ابن ابی یعلی، محمد (1393). طبقات الحنابلة، محمد حامه فقی، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه.
4. ابن تیمیه (1408). مجموعة التفسیر، عبدالرحمن عمیره، بیروت، دارالکتب العلمیه.
5. ----- (1993م). الرد علی المنطقیین، رفیق عجم، بیروت، دار الفکر اللبنانی.
6. ----- (1403). العقيدة الحموية الكبرى، بیروت، دارالکتب العلمیه.
7. ----- (1413). زیاره القبور و الاستنجد بالمقبور، ریاض، الرئاسة العامة للادارات البحوث و الدعوة و الارشاد.
8. ----- (1412). قاعدة جلیلة فی التوسل و الوسيلة، ربیع مدخلی، مكتبة لینه.
9. أبو اللوز، عبدالحکیم (2013). الحركات السلفية فی المغرب، بحث أثروبولوجي سوسیولوجي، بیروت: مركز دراسات الوحدة العربیة.
10. أبو جیب، سعدی (1998). احمد بن حنبل، السيرة والمذهب، بیروت و دمشق: دار ابن کثیر.
11. ابوحاتم رازی، احمد بن حمدان (1335)، الزینة فی الکلمات الاسلامیة العربیة، حسین بن فیض الله همدانی، ج3، مطبعة الرساله.
12. ----- (1382). گرایش ها و مذاهب اسلامی در سه قرن نخست هجری (ترجمه الزینه)، ترجمه: علی آقانوری، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
13. ابوزهره، محمد (بی تا). ابن حنبل: حیاته و عصره، آرائه و فقهه، بی جا: دار الفکر العربي.
14. ----- (بی تا). تاریخ المذاهب الاسلامیة فی السیاسة و العقاید و تاریخ المذاهب الفقهیة، قاهره: دار الفکر العربي.
15. احمد بن حنبل (1411). الرد علی الجهمیة، احمد بکیر محمود، دارقظییه.
16. انصاری، حسن و احمد پاکتچی (1373). «احمد بن حنبل»، در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج6، ص718-730.
17. بادی، جمال ابن احمد ابن بشیر (1416). الاثار الواردة عن الائمة السنة فی ابواب الاعتقاد، ریاض: دارالوطن.

18. بخش علوم قرآنی و حدیث (1369). «ابن خزیمه»، در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 3، ص 416-419.
19. پاکتچی، احمد (1369). «ابن بطه عکبری»، در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 3، ص 126-128.
20. ----- (1379). «اصحاب حدیث»، در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 9، ص 113-126.
21. ----- (1379). «اصحاب رأی»، در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 9، ص 126-132.
- تاریخ دسترسی: 13/10/2012.
22. جابری، علی حسین (1977). الفكر السلفی عند الشيعة الاثني عشرية، بیروت: دارالکتب الاسلامیه.
23. ذهبی، محمد بن أحمد (1382). میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق: بجاوی علی محمد، بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر، الطبعة الأولى.
24. ----- (1427). سير اعلام النبلاء، تحقیق: محمود شاکر، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الاولى.
25. رفیعی، علی (1369). «بن راهویه»، در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 3، ص 540-541.
26. زریاب خویی، عباس. «ابن تیمیه» در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائرة المعارف اسلامی، چاپ چهارم، 1383، ج 3، ص 171-193.
27. زمزلی، فواز احمد (1995). عقاید ائمة السلف، بیروت: دارالکتب العربی، الطبعة الاولى.
28. سعید، عبدالرحمن محمد (1423). المقالات السنیه فی تبرئة شیخ الاسلام ابن تیمیه، دارالعصریه.
29. سیوطی، جلال الدین (1424). تنویر الحوالمک، دارالکتب العلمیه.
30. شرفاوی، عبدالرحمن (1429). الفقیه المهدب ابن تیمیه، دارالشروق.
31. الشیبانی، محمد بن ابراهیم (1409). اوراق مجموعة من حياة شیخ الاسلام ابن تیمیه، کویت: مكتبة ابن تیمیه.
32. عبدالله بن احمد بن حنبل (1961). حياة الامام احمد و محنته، ضمیمه در: جواد رومی، احمد بن حنبل بین محنة الدين والدنيا، قاهره: مكتبة التجاریه الكبرى.
33. عسکری، سید مرتضی (1405). معالم المدرستین، تهران: مؤسسة البعثة.

1. عزیززاده موسوی، سید مهدی (1391). سلفی گری و وهابیت: تبارشناسی، ج 1، قم: انتشارات آوای منجی.
2. فرمانیان، مهدی (1387). «عثمانیه و اصحاب حدیث قرون نخستین تا ظهور احمد بن حنبل، با تأکید بر سیر اعلام النبلاء ذهبی»، در: هفت آسمان، ش 39، ص 143-182.
3. ----- (1390). «گزارش [کتاب شفاء السقام فی زیارة خیر الانام]»، در: سراج منیر، ش 3 و 4، ص 280-294.
4. ----- (1392). درس نامه فرق و مذاهب کلامی اهل سنت، قم: آثار نفیس.
5. قرضاوی، یوسف (1429). الصحوة الاسلامیة من المراهقة الی الرشد، دارالشروق.
6. کپل، ژیل (1382). پیامبر و فرعون: جنبش های نوین اسلامی در مصر، ترجمه: احمد احمدی، تهران: انتشارات کیهان، چاپ سوم.
7. کوثری، احمد (1393). «جنايات وهابیت تکفیری در کربلا و نجف با تأکید بر دوره اول»، در: مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ج 1، ص 83-105.
8. لحر، حمید محمد (1420). الامام مالک مفسر رضی الله عنه، بیروت: دارالفکر.
9. مالک بن انس (1425). موطأ، نجیب ماجدی، المكتبة العصرية.
10. مصطفی، حمزه مصطفی (2013). «جبهه کمک به اهالی سوریه (جبهه النصره) از پیدایش تا تجزیه»، در: <http://okhowah.com> تاریخ دسترسی: 4/7/93.
11. معرفت، محمدهادی (1425). تفسیر الاثری الجامع، موسسه التمهید.
12. مهدوی راد، محمد علی (1375). «تدوین حدیث 1: تعاریف»، در: فصل نامه علوم حدیث، ش 1، ص 35-50.
13. موجانی، سید علی؛ عقیقی بخشایشی، امیر (2011). تقاریر نجد: گزارش های دولت مردان های عثمانی مقارن ظهور محمد بن عبدالوهاب و استقرار دولت نخست آل سعود در نجد و حجاز، قم: کتاب خانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، چاپ اول.
14. وات، مونتگمری (1370). فلسفه و کلام اسلامی، ترجمه: ابوالفضل عزتی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، چاپ اول.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

